ستارہ سینما

ستال
شیرو
سرخ"
شاہکار
ت دلیسنی
بشرکت
کارد "تماد
تیز جائز

سال چہارم
۱۱۳
ریال

مینا

چند کلمه در باره ستاره فیلم (بلبل مزرعه)

شرح روی جلد

نوزده سال بیشتر از عمرش نمیگذرد ، بااستعداد و علاقمندی صمیمانه ایکه بکار خود دارد هنوز خیلی موفقیت در انتظار اوست ...

چهره زیبا و محجوب او در بیننده ایجاد احترام میکند بخصوص آنکه توجه حاصل شود وی مادر طفل دوساله شیرینی است این طفل ثمره ازدواج و زندگی پرشور وشوق سه ساله او با «کمان کیانی» هنرپیشه جوان و محبوب میباشد که متاسفانه چندماه قبل متارکه شد!!

مینا اکنون در خانه پدری خود زندگی میکند، او فرزند خانواده نجیب و باشخصیتی است وازمیراث اخلاقی خانوادگی بحد کمال بهره مند میباشد، زنی آرام و بی تظاهر است، خیلی کم سخن میگوید ، همیشه بفکر و یا بمطالعه است . شش سال قبل اتفاقا در یک مجلس میهمانی ، یکی از آشنایان خانوادگی مینا ... یادبود او گمشده خود ودوستانش را یافت زیرا آنها مشغول تهیه فیلم جالب « محکوم بیگناه » بودند مدتها دختری زیبا ومحجوب را جستجو می کردند که دل حساسی را در فیلم بعهده او بگذارند ... همانجا مطلب را باوالدین مینا وخودش درمیان مینهد وازوی برای ایفای آن دل دعوت میکند ... بالاخره موافقت ایشان حاصل میشود و بدینترتیب مینا وارد عالم هنر شد، درحین بازی درفیلم رفته رفته آوازه وجود و استعداد اودرمجامع مختلف هنری منعکس گردید وهنوز بازی درفیلم مذکوررا تمام نکرده بود که بتآتر فردوسی دعوت شد...

اولین نمایشنامه ایرا که مینا درتآتر بازی کرد « کارمندشریف » بود وبا ابراز لیاقتی که درایفای دل حساس محوله نشان داد ، لیاقت ودرنتیجه موفقیت خود را عرضه داشت.. مینا ازآن ببعدمرتبا بازی در نمایشنامه های معروف و با اهمیتی که بصحنه آمده دعوت میشد وباتوجه صمیمانه ایکه برای درک نکات لازم ازخودنشان میداد توفیق یافت فنون و رموزکار را تاحد امکان بیاموزد، نتیجه توجه اوموفقیت کنونی وی میباشدو بدون تردید مینا امروزیکی ازستارگان خوب سینما و تاترما محسوب می‌شود ، البته تجربه و پختگی درضمن مطالعه بیشتری را لازم دارد که مسلما خوداو متوجه این نکته هست وبرای کسب موفقیت‌های بیشترو بهتر، همچنین دارا بودن قدرت کافی در رهروی آینده خویش تجربیات گذشته را در نظر داشته و شیوه ارزنده خودرا درمطالعه با شوق لازم دنبال خواهد کرد

مینا علاوه بر آنکه در این چندسال درتآتر مشغول بودورلهای قابل توجه ایرا در نمایشنامه‌هائی باارزش بکفایت ایفاء کرد مانند «مونتسرا» ، « برای شرف »

عکس از هادی

« در راه آزادی » ، « شاهزاده هاء بورك» وچندین بیس دیگراز همین قبیل ، دو رل جالب وتیپیك راهم درفیلمهای «چهارراه حوادث» و « بلبل مزرعه » بازی کرد که خوشبختانه هردو آنها از بهترین فیلمهای فارسی هستند وهردو برای مینا موفقیت جدید و امید بخشی داشتندوی پس از متارکه بهمسرش که اکنون چند ماهی ازآن میگذرد بکلی ازشرکت درتآترها خودداری میکند، خوداو علت این امر را رفع خستگی میامد، شایدهم تا حدی گفته اش صحیح باشد ولی ناراحتی اوهم مانند کلیه هنرپیشگانیکه شخصیت واستعداد خویش را محترم میدارند از این اوضاع نابسامان فعالیتهای هنری ، بر چهره اش آشکاراست... نتوانست منکرشود اما پرده پوشی میکرد... گفت، خودتان وهمه مردم فهمیده از شرب الیهود موجود و سیر قهقرائی هنری ما بخوبی واقف هستید ومسلما دل همه دوستداران هنر ازاین وضعیت در رنج ودرد است شك نیست درد و رنج هنر پیشگان بمراتب بیشتر است زیرا آنها خانه وکار و عشق خودشان را خراب وتباه می بینند ولی متاسفانه «گوش اگر گوش من وناله اگر ناله توست ـ آنچه البته بجائی نرسد فریاد است » صاحبان کار وموسسات اصولا وظیفه خطیر خودرا فراموش کرده و بی اعتنا بهمه انتقادات و اعتراضات روش نامطلوب خودرا که البته دارای منافع سرشاری برای ایشان هست همچنان ادامه میدهند.

چهره اش مکدر و ناراحت شده بود، بافق نگاهی کرد و آهی کشید و گفت : دنیا بکجا میرود ومادر کجائیم وچه میکنیم. درحالیکه کارمان چنین است و اصولا فراموش شده که تآتر «مکتب و راهنمای اجتماع» است، حب و بغض وحسادت درتشکیلات ما و بین هنرمندان بجنون کشیده است سخت ناراحت شده بودو یکمرتبه رشته کلام را قطع کرد و اظهار داشت، معذرت میخواهم خیلی تندرفتم... چه بایستی کرد ناراحتیها ومشاهده ناپسندیها روح انسان را میازارد و بردلها عقده میشود.

اما ناگهان گفت، ولی این راهم بگویم که من نه تنها با هیچکس دشمنی وکینه ندارم بلکه چنانچه همه دوستان وهمکارانم میدانند من همه هنرمندان را گرامی داشته و آرزومند موفقیت همه همکاران خود هستم... گفتم منظور ازاظهار ناگهانی این مطلب چه بود؟ فکری کرد و گفت خوب دیگه!! بهرحال ما ضمن تحسین از استعداد و اخلاق مینا ، امیدواریم وی درراه صحیح بموفقیتهای ارزنده و مطلوب نائل آمده و درآینده ضمن اینکه عوامل مساعد یاری کنند خوداو نیز اهتمام لازم مبذول دارد تا استعداد خویش را بهتر و بیشتر ارائه وعرضه دارد ... زیرا اولیاقت پیشرفت و پیروزی های عالیتری را دارا میباشد

فالگوش

علیرغم همه خرابکاریها «ستاد مرکزی هنرمندان سینما و تآتر» درمحل جدیدی مستقر شد!

خبر فروش و خرابی «کافه لاله‌زار» در هفته گذشته بنظر خوانندگان محترم رسید و باوجود همه تاثر و عصبانیت «هنرمندان» از این ماجرای دهشتناك وغیرقابل تحمل، مسئله لزوم محل دیگری برای تشکیل ستاد مرکزی از نظر ایشان بدور بود و بالاخره بعد از مطالعات عمومی بر کافه‌ها همگی باتفاق آراء تصویب کردند که «کافه قنادی معیلی» از نظر «سوق‌الجیشی!!» و نزدیك بودن بامحل سابق ستاد ومراکز هنری مناسبترین محل مورد نظر است... چندتن نماینده انتخاب شدند تا با مدیر کافه معیلی مذاکرات لازم بعمل آورند، بالاخره طرفین توافق کردند و این چند ماده ازشرائط قبولی طرفین است ۱ـ تقاضای نسیه‌ووجه دستی ابدا ممنوع است؟ ـ هر کس که وارد شود بایدچیزی‌میل نماید! ۳ـ اعتبار اشربه‌ویاشیرینی صرف‌شده برای اقامت در کافه سه ساعت خواهد بود وپس‌از انقضای مدت‌کارسن مجددابرای تقدیم جنس موردنظر سئوال میکند؟ـ بحث و صحبت نبایستی بفریاد مبدل‌شوده ـ ازاین طرف کافه بآنطرف سخن گفتن با صدای‌بلند ممنوع‌است؟ ـ محل معینی ازکافه در اختیار هنرمندان خواهدبود و دوکارسن مستقلا در آن قسمت خدمت خواهند کرد ۷ـ یك تلفن بطور مستقل در آن قسمت برای مکالمات هنرمندان اختصاص داده میشود بشرط آنکه دوریال وجه‌المکالمه قبلا بمتصدی آن‌پرداخت شود... وچندماده و تبصره دیگر... اما بهرحال‌اینکه هنرمندان«ویلان» نشدند بخصوص از نظر فالگوشچی جهت کسب اطلاعات واخبار «پشت پرده و جلوی‌پرده!» خیلی مهم‌است‌و بد نیست بدانید چند روز اول استقرار درمحل جدید بهر هنرمند تازه‌وارد تبریك گفته میشد واوهم متقابلا تبریك گفته وپس از منزل نومبارکی احیانا ماچ‌وبوسه‌ای هم رد وبدل‌میکردند... اکنون آرامش برقرار است ومانندکافه لاله‌زار هنرمندان درمعیلی مجتمع شده، روزنامه و مجله کرایه‌ای مطالعه فرموده، بحث و مجادله هنری میفرمایندومطابق قانون وضع‌شده چیزی‌هم میل‌میکنند«توضیح آنکه اغلب پپسی‌کولا، چای، بستنی میخورند وقیمت اینهاهم که‌معروف حضورتان هست!» اما نکته جالب آخرین روز اقامت درکافه لاله زاراست... تمام فضای سالن کافه درسکوت و آرامش خاص هنرمندانه‌ای غرق بود، خیلی آهسته صحبت‌میشد و هنگام خروج همه جلوی در بفضا و دیوارهای سالن نگاه حسرت آلودی میکردند و بعضیهاهم بایاد آوردن خاطرات اقامت وحوادث‌جالب وباناراحت کننده‌ایکه درآنجا برایشان اتفاق افتاده بود، دچار احساسات شده اشك در چشمانشان میجوشید و بالاخره‌مقرراصبح آندوازصله‌های بی‌انصاف گلنگهای و «صدحتری» خودرا بسقف ودیوارهای پرخاطره کافه وارد آوردند و این محل هنرمندانه‌را دورهم گویند. ضمنا فالگوشچی دراین چند روز مرتبا مسیوماتوئل قهرمانسروای ستاد مرکزی‌راکه رئیس کارسنهای کافه لاله‌زاربود درکافه معیلی مشاهده میکند شاید نمیتواند دوری دوستان چندین‌ساله‌را تحمل‌کند و شاید برای‌وصول حسابهای معوقه بآنجا میآید!!

دکتر شاهرخ فیلم جدیدی تهیه خواهد کرد

بنابر اطلاع دکتر شاهرخ تصمیم گرفته فیلم جدیدی تهیه کند که‌داستانی ملودرام دارد و گویا داستان‌رانیزتهیه کرده و اینروزها برای محل تهیه آن وانتخاب‌افراد لازم درفعالیت ومطالعه ومذاکره است.

جعفری وفیلم جدید

همچنین خبردار شدیم آقای جعفری‌نیز مقدمات تهیه‌فیلم‌جدیدی را فراهم میسازد و بنا برآنچه که شنیدیم داستان آنرا ازمدتی پیش دکوپاژکرده و باچندتن از مطلعین فن نیز بر دکوپاژ آن مشورت نموده‌است... پیش‌بینی میشود بزودی‌دست بکارشود

«ژاله» مجددا بپارس فیلم رفت

فیلم «یعقوب‌لیث» که‌سه‌سال قبل دراستودیو پارس فیلم شروع بتهیه‌شد اواسط‌کار بعلت‌مرك‌بانو تسلیمی ستاره اول‌فیلم معوق مانده وهرچه‌هم کوشش کردندبلکه‌داستان رابنحوی ادامه دهند میسر نشد تا اخیرا تصمیم گرفتند بجای تسلیمی ازخانم ژاله دعوت‌شودتاول‌مزبور را ایفاکند... مذاکرات شروع‌شد وخانم‌ژاله چندان رضایتی نداشت تااینکه‌دل‌اول‌فیلم «بیژن‌ومنیژه» راهم که در همین استودیو تهیه میشود بخانم پیشنهاد کردند، بالاخره بعداز مذاکرات مفصل و باتعهد استودیو درتوجه کافی‌جهت جلوگیری از ابتذال فیلمها خانم ژاله پیشنهادات استودیورا پذیرفت واکنون مشغول کار هستند تاببینیم بالاخره آخر عاقبت کارچه خواهد بود.

چهارمین سال «آژنك»

هفته گذشته‌هفتگی‌نامه(آژنك) باانتشار شماره‌مخصوصی‌وارد چهارمین سال فعالیت مطبوعاتی‌خودشد

آژنك‌باانتشار مقالات‌ومطالب انتقادی دراین اواخرپیشرفت حائزاهمیتی نصیبش‌شده‌وماامیدواریم‌درآینده موفقیت‌بیشتری‌بدست‌آورد.

(چهارمین‌سال) هفتگی‌نامه آژنك‌رابمدیر وسردبیر وهیئت تحریریه آن‌تبریك‌میگوئیم.

مجله فیلم و زندگی

درهفته گذشته ازطرف اداره‌کل هنرهای زیبا مجله ماهیانه‌ای تحت‌عنوان (فیلم وزندگی) منتشرشدکه ازهرحیث حائزاهمیت بود

چنانچه بارها درصفحات خود منعکس نموده‌ایم انتشار مجلات هنری‌سینمائی برای بالابردن سطح سینمائی مردم نقش‌مهمی‌را بعهده دارند وخوشبختانه (اداره‌هنرهای‌زیبا) دراین اواخرمجلاتی حاوی بحثهای‌سینمائی‌منتشر نموده‌است که‌دراینمورد کمك‌موثری بشمارمیروند

ستاره سینما موفقیت مسئولین مجله (فیلم‌وزندگی) رادرادامه انتشار مجله مسئلت‌دارد.

صاحب‌امتیاز ومدیر

پانروژگالستیان

باهمکاری

روبرت‌اکهارت

ستاره سینما

سال‌چهارم ـ شماره۱۱۳ ـ یکشنبه۵خرداد ۱۳۳۶

محل اداره ـ خیابان منوچهری پاساژ لعل

تکشماره ۱۰ ریال ـ اشتراك سالیانه ۵۰۰ ریال

چاپ‌مصور تلفن۳۵۰۶۵ـ گراورسازی خواندنیها

تازه‌ترین و آخرین اخبار سینمائی جهان

فیلم (بچه عروسک) اگر برای الیا کازان موفقیتی بار نیاورد، اگر مورد مخالفت منقدین مودالیست قرار گرفت اگر گروه ملی علت نمایش آنرا تقبیح نمود و اگر... ولی این یک حسن را داشت

که یک اکتریس هنرمند، جوان و زیبا بجهان سینما تقدیم نمود این هنرپیشه که اکنون بنام «کارول بیکر» شهرت جهانی یافته، در این فیلم در تحت نظر الیا کازان چنان نقش خود را با مهارت انجام داد که نام او جزو ۵ تن کاندید جایزه معروف اسکار انتخاب گردید و چیزی هم نمانده بود این جایزه لعنتی را برای همین اولین فیلم مهمش برباید

در حال حاضر از کمپانیهای مختلف پیشنهادات مختلفی برای کارول بیکر میرسد و این هنرپیشه بقول معروف سر کیجه گرفته و نمیداند کدامیک را قبول نماید

آنچه تا این لحظه درباره آن خبر قطعی بما رسیده فیلم «خیلی زیاد، خیلی زود» میباشد که سوژه آن زندگی دبانا باریمور میباشد قرار است «بیکر» دل نخست آن را ایفاء نماید

در این فیلم «فردریک مارچ» نیز شرکت دارد و نقش «جان باریمور» را اجرا خواهد نمود

تازه‌ترین فیلم «بریژیت باردو»، این هنرپیشه آتشپاره که چندی پیش تهیه آن بپایان رسیده و در سینماهای فرانسه بنمایش در آمده «وزن... خلق شد» نام دارد که کارگردان آن «روژه ودیم» شوهر «باردو» میباشد.

در این فیلم «باردو» بیدریغ درمقابل دوربین محرم شوهرش زیبائیهای نهان خود را آشکار مینماید! سوژه فیلم شبیه فیلم «این دختر آتشپاره» میباشد و در آن جنائی و کمدی مخلوط گردیده و یک صحنه زدوخورد تماشائی در پایان آن موجود است

سناریو را «روژه ودیم» کارگردان فیلم باتفاق «رائول لوی» تهیه کننده آن نوشته‌اند و سینماتوگرافی از «آرمان تیرار» میباشد.

«وزن خلق شد» بطریق سینماسکوپ و رنگ ایستمن کالر تهیه شده و رل مقابل «بریژیت باردو» را کورت یورگنز هنرپیشه آلمانی برعهده دارد.

هفته گذشته کمپانی کلمبیا اعلام نمود که فیلم (آتش زیر خاکستر) باشتراک ریتاهیورث، رابرت میچم و جک لیمون درماه ژوئیه بمعرض نمایش گذاشته شد ولی از هم اکنون این کمپانی تبلیغات دامنه‌داری را برای آن شروع خواهد نموده است و درضمن اواسط ماه ژوئیه در چند شهر بزرگ که نام آنها در آینده اعلام خواهد شد این فیلم با تشریفات خاصی افتتاح میگردد.

«اودری هپبورن» که درحال حاضر در استودیو وارنر مشغول بازی فیلم «داستان راهبه» بکارگردانی «فرد زینمان» میباشد یکی از هنرپیشگان معدودی است که کلیه کارگردانان بزرگ سینما در مورد هنرمندی او متفق‌القولند و همگی او را یک هنرپیشه بزرگ و هنرمند محسوب مینمایند و کار گردانی فیلمی را که اودر آن شرکت داشته باشد موهبتی عظیم میدانند

چندی پیش فیلم «چهره مضحک» این هنرپیشه که در آن چند رقص و آواز دیدنی و شنیدنی اجرا مینماید ببازار آمد و مورد توجه فراوان واقع شد و بزودی فیلم «عشق در بعدازظهر» نیز که ازمدتها قبل آماده نمایش میباشد و رل مقابل اودری را گاری کوپر و موریس شوالیه برعهده دارند توسط کمپانی یونایتد آرتیستس روانه بازار خواهد شد

در این فیلم «هپبورن» نقش دختری را ایفاء میکند که نوازنده ویولن‌سل میباشد میگویند روزی «بیلی وایلدر» کارگردان فیلم باتفاق «اودری» برای شنیدن کنسرت «پابلو کاسال» نوازنده معروف و درضمن استفاده از طرز و سبک نواختن او رفته بودند

روز بعد درموقع فیلمبرداری «وایلدر» به «اودری» گفته بود که «تو ترکیبی هستی از «گاربو و کاسال» و اودری هم که این گفته را کمپلیمان تشخیص داده بود از او تشکر نمود و در اینجا وایلدر اضافه کرد که «گویا منظور مرا عوضی درک کردی. من میخواستم بگویم که شما مثل گاربو و ویولن‌سل میزنید و مثل کاسال بازی میکنید!»

روز بروز تهیه فیلمهای اشتراکی بین آلمان غربی و فرانسه بیشتر میشود و از قرار معلوم این دو کشور از این کار بیشتر فایده نصیبشان میگردد.

بزودی این دو کشور باتفاق یکدیگر فیلمی از کتاب «بینوایان» ویکتور هوگو تهیه خواهند نمود که قرار است آنش ژان‌والژان را (ژان گابن) وژاور را (ژرار دپاردیو) ایفاء نمایند

چند خبر شنیدنی

زشتیهای «ونیز»

«رود زمودیم» که در نخستین فیلمش «وزن.. خلق شد» نشان داد که صنعت سینمای فرانسه یك کارگردان جوان، بیتجربه ولی بااستعداد را پیدا نموده، تهیه دومین فیلم خود را شروع نمود

این فیلم «که میداند» نامدارد ورلهای نخست آنرا فرانسواز آدنول و روبرت حسین ایفاء خواهند نمود وفیلمبرداری آن در ونیز انجام خواهد گرفت، ولی نه در فصل تابستان یا بهار که معمولا تهیه کنندگان در آن مواعد برای فیلمبرداری به ونیز میروند بلکه زمستان، باران وسرما است که «رودیم» برای فیلم خود احتیاج دارد ومحلهائیکه از شهر نشان داده خواهند شد مانند سایر فیلمها «سان مارکو» و یا «گراند کانال» نخواهند بود بلکه کوچه‌های کثیف و کوچك کنار افتاده نیز هستند که دو قهرمان اول فیلم در آنجا با یکدیگر بازی مرك وزندگی مینمایند

یك فیلم یونانی

در کشور یونان اخیراً فیلمی بنام «آکیوپا» (این نامی است بزبان محلی برای لاشخور) تهیه شده است «آکیوپا» در این فیلم نام دختر جوانی است که پدر و مادرش اورا در همان روز تولد ترك کرده‌اند و او بعداز یك ماجرای عشقی تراژیك بدست دهاتیان بقتل میرسد، زیرا آنها اورا شوم میدانند اصولا اعتقاد دارند که او باعث کلیه بدبختیهائی است که گریبانگیر مردم دهکده میشود. کلیه صحنه‌های این فیلم در یونان ودر دهکده‌ای موسوم به کاپس بوتیا تهیه شده‌اند ودر آن جنبه های مختلف شاعرانه ورئالیسم دیده میشوند. این فیلم توسط کمپانی «پارناسوس فیلم اف امریکا» تهیه گردیده و و کارگردان نیمه یونانی ونیمه آمریکائی آن گرك تالاس همان کسی است که اثر موفقیت آمیز قبلی یونان موسوم به «گردان برهنه» را نیز کارگردانی نموده بود

«آکیوپا» از نقطه نظر تکنیك بهترین فیلم یونانی بشمار میرود. (بعضی از کارهای تکنیکی این فیلم درهالیوود انجام گرفته‌اند).

نقش نخست فیلم توسط «آنا براتسو» ایفاء گردیده واین هنرپیشه از فارغ التحصیلان مدرسه تآتر میباشد و «آکیوپا» اولین فیلم او میباشد. این هنرپیشه اکنون درامریکا بسر میبرد و در نمایشات مختلف تلویزیون شرکت می نماید

سناریو فیلم توسط نوتیس برگیالیس و سینما توگرافی (سیاه وسفید) توسط کوستاس تید وریدیس انجام گرفته وموزیك متن فیلم را هاتزیداکیاس تنظیم نموده است.

خبری از فستیوال بین المللی فیلم برلین

هیئت فرهنگی شورای اروپا امسال برای اولین مرتبه جایزه‌ای برای فرآورده های سینمائی در نظر گرفته که برای بار نخست درهفتمین فستیوال بین المللی فیلم برلین توزیع خواهند گردید

توضیحا متذکر میگردد که فستیوال مذکور از تاریخ ۲۱ ژوئن الی ۲ ژوئیه سال جاری در برلین غربی تشکیل خواهد گردید

یك نظر اجمالی به :

محصولات شوروی

مردم روسیه چندی پیش یك اثر دیگر اقتباس از آثار شکسپیر را مشاهده نمودند. این فیلم «زحمت زیاد برای هیچ» میباشد که توسط تروپ واختانگوف تهیه و بازی شده است. این تروپ که تاکنون اکثر نمایشنامه‌های شکسپیر را در روسیه بروی صحنه آورده فعالیتهای آن در محبوبیت وشهرتی که شکسپیر اخیرا در این کشور بدست آورده بسیار موثر بوده‌اند

هنرپیشگان فیلم عبارتند از: لیوبیموف (در نقش بندیك)، تسلیکوسکایا (بئاتریس)، مالیشوسکی (کلودیو)، بوریسووا (هیرو) میزانسن فیلم توسط ی. رابوبورت وتهیه آن ل. ترامکووی انجام گرفته است.

•• فیلم دیگری بنام «دون کیشوت» اقتباس از اثر معروف سروانتس در «بالنا» بکارگردانی کوزینتسف در دست تهیه میباشد که در آن چرکاسوف نقش دون کیشوت و تولوبیف نقش «سانچو پانزا» را اجرا مینمایند

•• استودیوهای مختلف «مسفیلم» نیز سخت مشغولند

«داوزنکو» یکی از کارگردانان خبره و باتجربه روسی مشغول تهیه فیلمی بنام «شمر دریا» میباشد که داستان آن درباره دهکده جدیدی است که بدست توده مردم برساحل دریاچه «کاخوفکا» بنا گردیده.

•• خانم م ـ سمیر نوواستاریستدوس و ا ـ عباس نویسنده هندی باتفاق مشغول تنظیم سناریو فیلمی هستند که سوژه آن درباره آفاناس نیکیتین اولین سیاح روسی که بهندوستان سفر کرد میباشد این فیلم توسط وسیرونین بسبك سینما سکوپ تهیه و کارگردانی خواهد شد

•• در استودیو ماکسیم گورکی «کراسیوف» کارگردان معروف شروع بتهیه فیلمی نموده که از سه قسمت تشکیل شده و از رمان «شوخولوف» موسوم به «دون مسیر خود را بآرامی طی میکند» اقتباس گردیده است.

این استودیو ازهم اکنون مقدمات تهیه چند فیلم در بارهٔ جشن چهلمین سال انقلاب سوسیالیستی روسیه را تهیه می بیند.

•• چندی پیش در سینماهای روسیه فیلمی موسوم به «مدافعین جاویدان» بمعرض نمایش گذاشته شده بود که استودیو مسفیلم آنرا به عنوان سپری شدن پانزده سال از آغاز جنك بین الدول دوم تهیه نموده بود، سناریو «مدافعین جاویدان» راسیوتوف و کارگردانی آنرا آگرانتکو انجام داده‌اند،

•• «لیتوانیان فیلم استودیو» چندی قبل نخستین فیلم بزرك خود را بنام «ایکنوتاس، بخانه بازگشته» تهیه نمود. این فیلم از رمانی موسوم به «حقیقت ایکنوتاس آهنگر» بقلم نویسنده شهیر لیتوانی گودینیس کوزیاویسیوس اقتباس شده وداستان دربارهٔ آهنگر ساده‌ای است که احساسات وطن خواهی او در سالهای ۱۹۱۸ و ۱۹۱۹ او را جزو انقلابیون درمیآورد. کارگردان فیلم «رازومنی» میباشد

•• «سویوزمولیتفیلم» یك سری فیلم تفریحی تحت نام کلی «دوستان قدیمی ما» تهیه نموده ودر نظر دارد افسانه‌ها وداستانهائی را که در قبایل ومردم کشورهای مختلف از قدیم الایام باقی مانده‌اند بصورت فیلم درآورد.

درحال حاضر این استودیو مشغول تهیه فیلمی از افسانه های افغانستان موسوم به «شیگوی کوچك» ودو فیلم از داستانهای پریان هندی بنامهای «جاکال کوچك وشتر» و «دختر وبر» و نیز یك داستان فانتزی آلبانی بنام «قایم باشك» میباشد و بزودی تهیه فیلمی بنام «ملکه برف» از افسانه معروف و کلاسیك «هانس کریستیان اندرسن» داستان سرای شهیر را شروع خواهد نمود

طغیان عشق

فیلم جالبی از سینمای مکزیک

روش خاصی که ازمدتها قبل توسط یکی دوتن ازتجار وارد کننده فیلم درمورد انتخاب و نمایش برجسته‌ترین آثار سینمائی جهان در کشورما اتخاذ شده است ، فرصت مناسبی برای آشنائی با صنعت سینمای کشورهای مختلف ودرضمن شناسائی رسوم ، طرز تفکر و خصوصیات روحی مردم این ممالک بشمار می‌رود .

دراین اواخر فیلمهای فوق‌العاده‌ای روی پرده مشاهده کرده‌ایم که هریک از آنها تعلق بکشور خاصی داشته ودرضمن با فرمهای مختلف سینمای این کشورها آشنائی پیدا کرده‌ایم .

سینمای مکزیک نیز با سابقه طولانی خود وبکمک کارگردانان باتجربه محصولات جالب وقابل تحسینی راتاکنون بدنیا عرضه داشته است . نکته‌ای که در محصولات سینمای این کشور جلب نظر میکند، دردرجه اول کمپوزیسیونهای زیبا و جالب توجهی است که دراغلب آنها ازمظاهر خاص زندگی مکزیکی استفاده شده‌است وشاید لطف و زیبائی همین مظاهر تا اندازه‌ای باعث موفقیت فیلم های مکزیکی گردیده‌اند . صحنه‌های باشکوه و خیره کننده گاوبازی ، آفتاب گرم و درخشنده توام باتنه ملایم گیتار و التهابات یک روح سرکش و پرشور تاکنون کمک موثری در کسب موفقیت فیلمهای مکزیکی بشمار رفته‌اند .

بزودی با نمایش فیلم «طغیان عشق» بامحصول جالب دیگری از سینمای مکزیک روبرو خواهیم بود که در آن یکی از مشهورترین ستارگان سینمای این کشور وبلکه دنیا «ماریا فلیکس» شرکت دارد و علاوه برآن فیلمبرداری «طغیان عشق» توسط یکی ازبهترین فیلم‌برداران مکزیکی بنام «گابریل فیگه‌روآ» انجام یافته‌است. ازفیلم های معروف «ماریا فلیکس» که در تهران بمعرض نمایش در آمده‌اند باید « قهرمانان خسته اند» و «مسالینا» رانام برد. نقش مقابل «ماریا فلیکس» رادراین فیلم هنرپیشه معروف وخوش قیافه اسپانیولی «ژرژ میسترال» بعهده دارد .

دراین فیلم صحنه‌های پرشور گاوبازی ورقصهای زیبای اسپانیولی توام باموزیک سحرآمیز این کشور خاطره‌ای فراموش نشدنی درذهن بیننده باقی خواهند گذارد وبعلاوه فیلمبرداری استادانه و جالب «گابریل فیگه‌روآ» لطف خاصی بداستان هیجان انگیز عشقی آن بخشیده است.

«طغیان عشق» که بکارگردانی «روبرت گاوالدون» تهیه شده بزودی درسینمای سعدی به معرض نمایش درخواهد آمد.

ماریا فلیکس درفیلم « طغیان عشق»

داستان فیلم :

کاملیا (ماریا فلیکس) ستاره زیبائی است که درپایتخت مکزیک درمنتهی شهرت زندگی میکند وی باگاوبازجوانی بنام رافائل (ژرژ میسترال) آشنا میشود و بزودی رافائل حس میکند که به کاملیا علاقمند است چندی بعد پای رافائل ضمن تمرین آسیب دیده و مجبور می‌شود بکمک دوچوب راه برود .

در این موقع رافائل در نمایش «مادام او کاملیا» که کاملیا نقش آن را بعهده داشته است حضور بهم میرساند ولی درحین نمایش موقعیت خودرا فراموش کرده وچوبهائی که بکمک آن راه میرود روی زمین افتاده واین امر باعث عصبانیت و ناراحتی کاملیا می گردد وبعد از پایان نمایش نیزازپذیرفتن رافائل خودداری میکند . بالاخره رافائل بکمک طبیب معالج خود موفق به ملاقات کاملیا شده ودرجشنی باتفاق وی شرکت می کند . درطول جشن رافائل وسیله تمسخر اطرافیانش قرارمی گیرد وهمین امر باعث می‌شود که وی در عشق خود ثبات بیشتری ازخود نشان‌دهد. بالاخره رافائل به کاملیا ابرازعشق میکند و کاملیا درپاسخ وی میگوید بشرطی حاضر بپذیرفتن عشق اومی باشد که درزندگی داخلیش حق دخالت نداشته باشد .

بالاخره یک روزرافائل از بلاتکلیفی خودخسته شده و قرار دادی برای شرکت در مسابقات گاوبازی شهرستانها امضاء میکند وآمادهٔ حرکت می‌شود . کاملیا پس ازاطلاع ازجریان درایستگاه راه آهن باوملحق شده و هردو عازم سفرمی‌شوند وتصمیم می گیرند در دهکده‌ای که رافائل درآنجامتولد شده است ازدواج کنند، ولی زندگی پرآشوب کاملیا اورا راحت نگذارده ودرحالیکه نامه‌ای برای رافائل باقی می گذارد بزندگی سابق خود مراجعت می کند.

مدتی بعد کاملیا دچار مرض سختی شده وسرانجام هنگامی که روی صحنه مشغول اجرای نمایش «مادام او کاملیا» بوده‌است احساس میکند که آخرین دقایق زندگی‌اش فرارسیده وازاطرافیانش تقاضا میکند که رافائل راخبر کنند وهنگامی که درصحنه آخر باید در آغوش «آرماند» قهرمان پیس جان دهد، حقیقتاً آخرین لحظات عمرش را می گذراند وآخرین جملات نقش خودرا خطاب به رافائل که درسالن حاضرشده است ایراد کرده وسپس میمیرد وباین ترتیب عشق آنها بوضع تأثرانگیزی روی سن تآتر پایان می‌پذیرد .

بهرام

فیلمهای پر فروش اردیبهشت

آسیابان عشوه گر (سعدی)
عصرجدید (مولن‌روژ)
مرد روز (دنیا-پلازا)

((شمشیر و گل سرخ))

یك اثر باشکوه و تماشائی از دوران سلطنت هنری هشتم و ماجرای عشق

ماری تودر و چارلز براندون

والت دیسنی هنرمند عالیقدر سینما برای اولین بار از زندگی شوالیه‌های تاریخ گذشته انگلستان یك کمدی بسابقه بوجود آورده است.

دوران طلائی تاریخ گذشته انگلستان تاکنون سوژه نسان و آیه‌داری برای تهیه کنندگان فیلم وده‌است و تاریخ سینما فیلم‌های بسیاری که هریك گوشه هائی از زندگی شوالیه‌های قرون گذشته بریتانیا و شاهان مختلف این سر زمین را نشان داده‌اند بیاد دارد این فیلمها هرچند اکثراً جنبه تجارتی شدیدی دارا بودند ولی گاهگاه در آن‌میان آثار برجسته و قابل توجهی نیز دیده میشد.

اصولا تکرار مکررات عمل مبتذلی است و هر ایده، مرام، هدف و بالاخره سوژه‌ای که بدفعات مورد استفاده قرار گیرد مخصوصاً این استفاده برای تجارت و منفعت باشد هرچند آن ایده، مرام و... پاك، زیبا و بالاخره دارای جنبه‌های هنری باشد، بازارزش خود را از دست داده وجنبه ابتذال پیدا خواهد نمود.

ولی برای فعالیت یك هنرمند حقیقی کادر و مرزی نمی‌توان قائل شد زیرا او قادر است در زشتیها، زیبائی. در ابتذال، ابتکار و در تاریکی، روشنائی ببیند و آنرا با هنر خود به مردم نشان دهد.

استانلی کرامر «نیمروز» خود را هنگامی ساخت که ابتذالی شدید دامنگیر آثار وسترن شده بود و از بدبختیها و نتایج خانمانسوز جنك بین‌الملل دوم بود که سامول گلدویز فیلم «بهترین سالهای زندگی ما» را بوجود آورد و با آن روح امید و آرزو را در کالبد خسته قهرمانان جنك دمید.

«شمشیر و گل سرخ» فیلم مورد بحث ما هرگاه با آثاری که فوناً خاطرنشان نمودیم مقایسه شود (یکچنین مقایسه‌ای خنده‌آور است) اثری است که از یك سوژه تکراری بوجود آمده ولی یك فیلم ابتکاری، جالب و تماشائی محسوب میگردد.

کارکنان والت دیسنی هنرمند عالیقدر در اینجا یکبار دیگر زندگی هنری هشتم و خواهرش «پرنسس ماری تودر» و ماجرای عاشقانه او و چارلز براندون را مورد استفاده قرار داده‌اند ولی اینبار با جنبه کمدی شدیدی که بآن داده و نکات کوچك، ظریف و ابتکاری که در «فرم» بکار برده‌اند باعث شده‌اند که تماشاچی برای محصول آنها ارزش هنری قائل گردد و آنرا با کمال علاقه مشاهده و از دیدن آن کاملا لذت و تمتع برد.

تهیه کنندگان

تهیه کننده ...	برس پیرس
کارگردان ...	کن آناکین
سناریست ...	لاورنس ادوارد واتکین
سینماتوگرافی ...	سیریل جی . تولز

از همان ابتدا که فیلم شروع می‌شود، با الوان شیرین و رنك آمیزی جالب و دکوراسیون مجلل محیط دربار هنری هشتم و روحیه کاراکترهای مختلف داستان و آنتریك مهیج و کاملا انترسان آن، همهٔ این جزئیات، توجه بیننده را بکلی جلب نموده و انسان تا پایان فیلم علاقه خود را نسبت بداستان از دست نمی‌دهد.

هنرپیشگان فیلم همه انگلیسی و از قرار معلوم کلیه فیلم در انگلستان تهیه شده و همین امر یکنوع اصالت قابل توجهی بفیلم داده است.

«ریچاردتاد» نقش چارلز براندون را بعهده دارد. پرقورمانس او امتیازی در برنامه‌ای دمتهی صورت ظاهر و قیافه او موجب میگردد که علاقه تماشاچی باو جلب شود.

«گلینز جانز» هنرمندی شایان توجهی از خود نشان میدهد و قیافه ملیح و شیرین او همراه با هنریکه در نشان دادن روحیه یکزن جسور، فداکار، ساده، حساس و عاشق از خود ابراز می‌دارد باعث خواهد شد که هواداران و دوستداران بیشتری بدست آورد. «جانز» در این فیلم نقش «ماری تودر» خواهر هنری هشتم را ایفا مینماید و خوانندگان شاید هنوز خاطره فیلمهای «ولگرد ساحل» با دایرت نیوتن «نقیب» و «شیطان فراری» با داگلاس فربنکس او را از یاد نبرده باشند.

«جیمز رابرتسون جاستیس» در نقش هنری هشتم بهترین بازی موجود در فیلم را انجام می‌دهد و سایر هنرپیشگان را تا اندازه‌ای با پرقورمانس بینظیر خود تحت الشعاع قرار میدهد.

ولی باوجود این و علاوه بر تمام آنچه گفته شد نگارنده میخواهد که خوانندگان عزیز «ژان مرکور» را در نقش لوئی دوازدهم مورد توجه قرار دهند. این هنرپیشه هرچند رل مختصر و کوتاهی برعهده دارد به قدری روحیه و تیپ کاراکتر خود را با مهارت نشان میدهد که مدتها بعد از اتمام فیلم خاطره او در مخیله تماشاچی باقی میماند و او را بخنده میاندازد.

این فیلم توسط «برس پیرس» و بکارگردانی «کن آناکین» و در تحت نظارت شخص والت دیسنی تهیه شده و در سال ۱۹۵۴ بوسیله کمپانی آر.کا.او رادیو در جهان پخش گردیده است و بزودی در سینمای کریستال بمعرض نمایش در خواهد آمد.

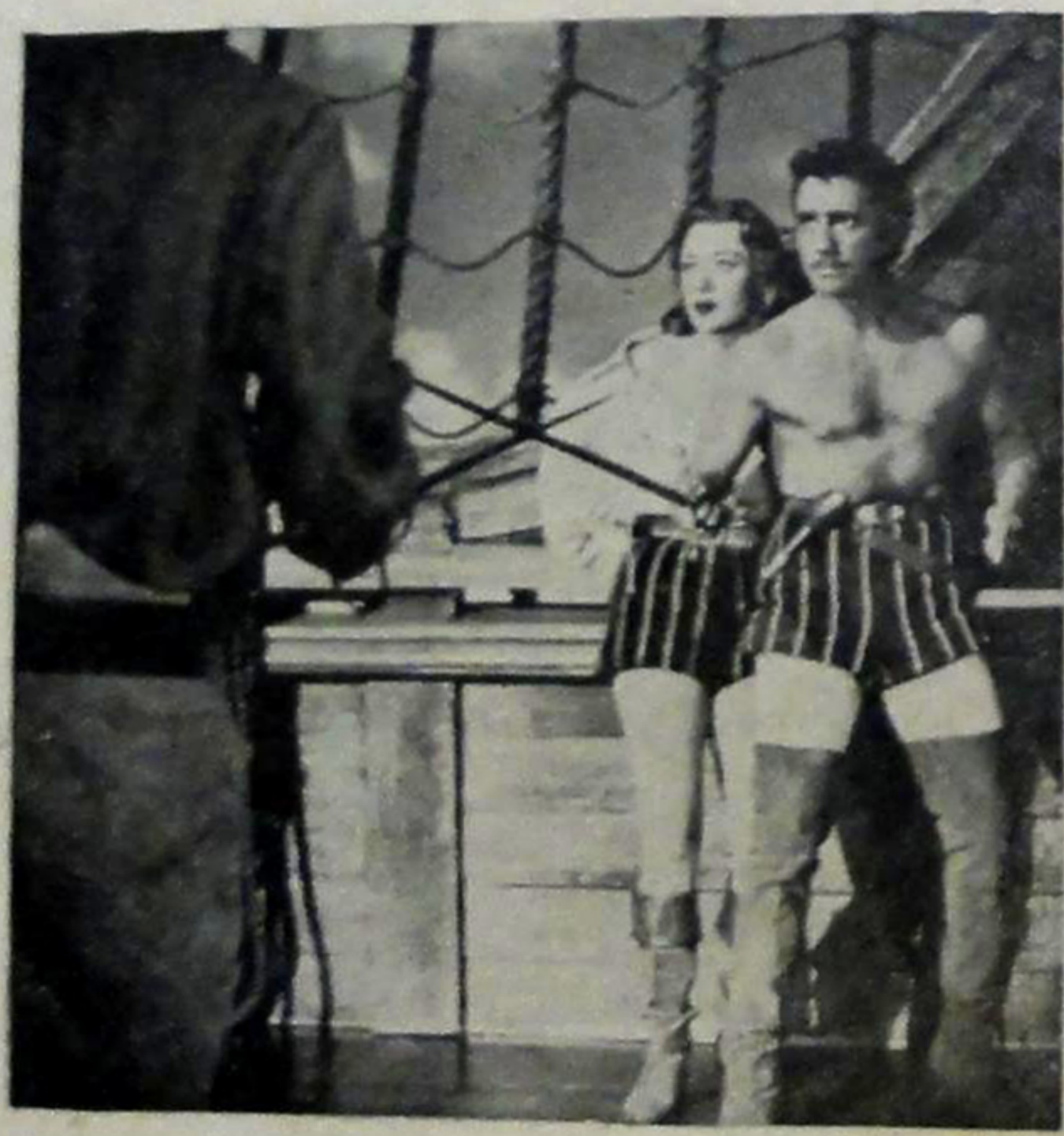

ریچاردتاد و گلینز جانز در صحنه مهیجی از فیلم

دیدار هفته..

خسرو پرویزی

ازروزیکه کافهٔ کذائی لاله‌زار تخته شد واین‌عمل منجر بانحلال محفل هنرمندان گردید کار حقیر هم دچار اشکال و ازهم گسیختگی عجیبی گشته‌است . برخلاف سابق که هرکس را میخواستیم ببینیم یکراست درکافه لاله‌زار بسراغش میرفتیم‌درحال‌حاضر برعکس یافتن (هنرمندان) کارحضرت‌فیل‌شده‌است!! بهرحال‌اینهفته‌صلاح دیدیم بدیدار جعفری برویم‌وبقول (ابوالفضول) اگر نوبتی‌هم‌باشدحالا دیگر نوبت جعفری است !

جعفری بنابوعده‌قبلی دردفتر یکی از مجلات منتظرم بود وقتی بآنجارفتم اوودوتن ازهمکارانش نشسته بودند . پس از مراسم‌سلام و احوالپرسی ! مدتی نشستیم تا اطاق از مراجعین خلوت شد بعد سرگفتگو را باجعفری باز کردیم‌و از هردری‌سخن‌بمیان‌آمد ازفرصت سواستفاده ! نموده سعی کردم‌بحث را بطرف فیلم جعفری‌بکشانم واز زبان خودش عقایدش رابشنوم.

ضمن‌صحبت گفتم راستی آقای جعفری روز اول که بتهیهٔ فیلم « مردی که رنج میبرد » دست زدید آیا فکر میکردید تاهمین حدود مورد استقبال قرارگیرد . ناگاه سکوت‌کرد وبعداز یک‌نگاه خشم آلودگفت : آقا من‌که برای این‌کارکیسه ندوخته‌ام ... از این گذشته من بیش از اینهم انتظار نداشتم . «مردی‌که رنج میبرد » شاید ازنظر سبک وفرم‌باب سلیقه اکثریت‌مردم‌نبود وبهمین علت‌مثل فیلمهای « امیرارسلان » و پسر امیرارسلان‌فروش‌نکرد . ازابتدای کار بااین امر واقف بودم . چون من میخواهم کارم روی اصول و قواعد خود باشد صرفاً بخاطر پول فیلم نساخته‌ام. گفتم‌پس‌دراینصورت شماازمتضررشدن‌دراین‌فیلم نگران نیستید ؟

ادامه‌داد که‌فکر نمیکنم«مردی که‌رنج میبرد »ضرر بدهدواگرهم چنین شد مهم‌نیست . ولی‌من‌اطمینان دارم باتهیه‌این فیلم ضرری‌متوجهٔ ما نخواهد شد .

عجیب‌بود، جعفری بااطمینان کامل بموفقیت‌فیلمش، سخن‌میراند وحتی گفت دارد خودرا برای‌تهیه فیلم بعدی‌آماده میسازد.

بجعفری گفتم بعضی‌ها معتقدند که عدم استقبال از «مردی که‌رنج میبرد» تااندازه‌ای‌هم بخاطرضعف تکنیک‌آن بود .

اظهار داشت که تکنیک این فیلم ماجرائی دارد روزاول ماکار خودرا در استودیو« کاروان فیلم» شروع کردیم واز آنجائیکه این استودیودر بعضی‌موارد‌نظیر«دستش» ضعیف بودونمیتوانست کارمرغوبی تحویل دهد مجبور شدیم که در اواسط‌فیلمبرداری‌آنرا باستودیوی دیگری (ایران فیلم) منتقل‌سازیم ودنباله‌کار خود را درآنجا ادامه دهیم. ما تاآنجا که برایمان میسر بود قطعات ناباب آنرا اصلاح کردیم وبقیه فیلم را هم تهیه و حاضر ساختیم .

خلاصه این عمل باعث شد چند فیلمبردار ، چند مونتور و بالاخره چند تکنسین باسلیقه های مختلف در این فیلم دست ببرند در نتیجه تکنیک فیلم آنطورکه شاید وباید مرغوب‌از آب درنیامد .

معهذاشخصاً عقیده‌دارم‌تکنیک «مردی‌که رنج می‌برد » ازاغلب فیلمهای‌فارسی قویتر بودوبخصوص صدا وقسمتی ازفیلمبرداری آن جالب بنظرمی‌رسید.

اما ناگفته نماندکه اصولادر کشورهای دیگرتکنیک در سینما بکمک هنرپیشگان میرود و با

جعفری‌درفکر تهیه فیلم جدید خود

(آیدالوپینو)ستاره‌هنرمندهالیوود که فیلمهای بزرگی‌را از وی در تهراندیده‌ایم پس‌ازشرکت درچند فیلم‌مهم‌حرفه (کارگردانی)رابیشه خود ساخت وازجمله فیلم(لغزش) که‌زاده ذوق او بود در دنیا با موفقیت‌شگرفی روبرو شت.

(آیدالوپینو) درسال ۱۹۵٤ باتفاق (رابرت‌راین) درفیلمی‌بنام (جاده مخوف) شرکت جست که موفقیت عظیمی کسب نمود

بعقیده‌منقدمجله(موشن پیکچر هرالد) لوپینوو راین میتوانستند زوج‌هنرمندی‌را تشکیل دهند ولی متاسفانه کناره‌گیری‌لوپینوراز‌سینما مانع‌این امر گردید

ایدالوپینوورابرت‌راین دلها اول‌فیلم‌جاده‌مخوف‌را به‌مهارت‌تامی ایفا نموده اند

امکاناتی که در این صنعت هست سخنی وضعف «آکت» بازیکنان پوشیده می‌شود واکثر معایب بنظر نیاید ، اما متاسفانه در سینمای ما علت کمبود وسائل فنی ، کار بر عکس شده است و به عوض این که تکنیك بکمك هنرپیشه بیاید هنرپیشه باید بکمك تکنیك برود ! و (توخود حدیث مفصل بخوان ازاین مجمل !)

واما درمورد نظر مردم و مقایسهٔ آن باکارهای تأثری ما، باید بگویم که درروی سن تأثر اساس وبنیان کاردردست خودمان است و طبق میزانسنی که نوشته میشود مو بموعمل می‌شود . درحالی که در سینما ، فیلمبردار رشتهٔ عملیات اکثرها را یك دارد واوست که می‌تواند بازی هنرپیشه را خوب یا بدجلوه دهد و بهمین علت کوچکترین لغزش وانحراف او بقیمت کارهنرپیشه تمام می‌شود .

جعفری از کمبود وسائل فنی و ضعف تکنیك استودیوها دل پرخونی داشت ودراین باره بتفصیل گفتگو کرد ونیز یکایك علل آنرا تشریح نمود .

نگارنده هنگامی که فیلم «مردی که رنج میبرد» را تماشا کرد تشابهی ازنظر داستان فیلم و رمان «جنایت ومکافات» داستایوسکی ، مشاهده نمود و در این باره ازجعفری سئوال کردم که آیا سوژهٔ فیلم از کتاب مذکور اقتباس شده است ؟ وی اظهار داشت که اقتباسی صورت نگرفته ولی امکان دارد سناریوی فیلم تحت تاثیر این کتاب تدوین شده باشد . درهر صورت من «جنایت ومکافات» را اثر بسیار بزرگی می‌شناسم ومطالعه آنرا بدوستان و همکارانم توصیه میکنم زیرا داستایوسکی با قدرت خلاقهٔ خود زوایای تاریك ومبهم زندگی وروح بشری را روشن ساخته وهرکس باخواندن آن می تواند باسرار باطنی زندگی پی ببرد و بحقایق گوناگونی واقف شود .

درخاتمه از برنامه آینده اش پرسیدم گفت : درنظر دارم در آتیهٔ نزدیکی فیلمی تحت عنوان «درازندگی» با استفاده ازتجربیات گذشته ، تهیه کنم وضمناً دراول سال جاری (سزون تآتر) پیسی خواهم گذاشت که «آهنك عشق» نام دارد .

معلوم بود جعفری چون کوهی درمقابل مشکلات ایستاده است و با تمام موانعی که برسرراه داشته است، نهراسیده وتصمیم دارد بلا فاصله فیلم دیگری تهیه وپیش جدیدی بروی صحنه آورد .

• • •

باتمایش فیلم «بلبل مزرعه» بار دیگر نام احمد شیرازی فیلمبردار لایق برسرزبانها افتاد واین روزها هرجاکه دیده شود رفقا باو تبریك میگویند بی اغراق شیرازی یکی ازچهره‌های درخشان کنونی سینمای ما بشمار میرود و باخدماتی که این مرد دررشتهٔ فیلم‌برداری نموده است .

هیچ گاه زحمات وبقیمت او را نمیتوان ازنظردورداشت .

هفته پیش که برحسب تصادف باشیرازی برخورد کردم بیدرنك موفقیت اورا درتهیهٔ فیلم « بلبل مزرعه » تبریك و تهنیت گفتم . شیرازی که اصولا مردی آرام و متواضع است تشکر کرده اظهار نمود کارمن سزاوار اینهمه تشویق نیست و امیدوارم روزی بتوانم منشأ خدمات بیشتری شوم .

شیرازی برای اولین بار در سال ۱۳۳۰ با دوبلهٔ فیلم معروف « شهرزاد» فعالیت خود را آغاز وباطریقهٔ ابتکاری خویش نشان داد که فرد مستعدی است وبهمین علت آیندهٔ بهتری برای او پیش بینی میشد .

در سال ۱۳۳۲ باموتاژ و فیلمبرداری قسمتی ازفیلم «محکوم بیگناه» قدم مؤثری در این راه برداشت ودرسال ۱۳۳۳ نیزدکوپاژ وموتاژ وفیلمبرداری فیلم «دزدبندر» را بعهده گرفت اما عالیترین اثر شیرازی درسال ۱۳۳۵ باتهیهٔ فیلم « مرجان» سودار گردید وتوانست ثابت کند که باکمبود وسائل فنی میتوان یك فیلم نسبتاً خوب بیار آورد، دکوپاژ وموتاژ این فیلم هم بعهدهٔ خود شیرازی بوده است .

« بلبل مزرعه » فیلمی که اینك روی پرده نشان داده میشود آخرین اثر اوست شیرازی بار دیگر استعدادذاتی وقوهٔ ابداع و ابتکار خود را بروز داد وموجب شد که نامش برسرزبانها بیفتد .

بطوریکه اطلاع یافتیم آخرین فیلمی که دردست دارد « نبردبان ترقی » محصول استودیوی « کاروان فیلم » میباشد که گذشته از فیلمبرداری ، موتاژ و دکوپاژ آنرا نیز انجام میدهد .

احمد شیرازی جوان فعال وپراستعدادی است که بیشك برای صنعت سینمای ما مردی لایق و پرارزش محسوب خواهدشد .

وقتی ازاو دربارهٔ خصوصیات کارش پرسیدم گفت : مادراستودیو های خود وسائل کافی نداریم و وگونه میتوانستیم کار مرغوبتری تحویل دهیم اگرشما بدانید که ما با « وسائلی فیلمبرداری میکنیم و باچه ابزاری بکارمیپردازیم » بیشك خنده‌تان خواهد گرفت معهذا امیدوارم هرچه زودتر این کمبود تشکیلات ووسائل فنی استودیوهای فیلمبرداری ما برطرف شود تاسینمای ما بتواند در طریق پیشرفت وتکامل وموفقیت گام برداده .

شیرازی درحال کار

(جادهٔ مخوف) حاوی یك داستان پلیسی وجنائی است که تا کنون در فیلمهای مشابه نظیرش دیده نشده است
(گراور فوق صحنه حساسی ازفیلم را نشان میدهد)

شهر فرنگ

✽ ازشما چه پنهان هفته قبل که ناهید سر فیلم راك اندرول باشهر فرنك قهر کرده ورفت، شهر فرنگچی سخت خیالش پریشان شد و دائما درپی یك فرصتی بود که بهر وسیله‌ای شده ترتیب مراسم آشتی کنان را بدهد. دوستی باناهید علاوه برمنافع معنوی که دربر دارد برای صفحه شهر فرنك یك منبع تمام نشدنی سوژه بشمار می رود کافیست که انسان چندقیقه‌ای درمصاحبت ایشان بسر برد و آن‌وقت بایکدنیا مطلب قلم بدست گرفته ودرفشانی کند ولی اشکال عمده از این جهت است که مطالب و سوژه‌هائی که ایشان در اختیار مخلص میگذارند تمامشان قابل درج درصفحه شهر فرنك نبوده و حتی

بعضی ازآنها ممکن است باعث برپاشدن انقلاب یاآشوب بزرگی شود!

بهرحال، هفته گذشته بترتیبی که گذشت ناهید بحال قهر سینما راترك کرد ورفت. بعد از این جریان دیگر افتخار زیارتشان برای مخلص پیش نیامد و همان طور که ذکر گردید قهر ایشان ممکن بود در ادامه دائمی صفحه شهرفرنك خللی واردآورد.... تااینکه یکی ازشبهای هفته گذشته ایشان‌را دردفترمجله خدمت سردبیر مشاهده کردم وقتی وارد اتاق شدم برخلاف انتظار ناهیدلبهایش‌را به تبسم گشود وبالحن مسخره‌ای گفت:

ـحال‌شما چطوراست؟ الحمداله که کسالتی ندارید؟!

ـبمرحمت‌شما! مرسی!

..بعدازچندقیقه ناگهان ناهید ازجایش برخاست ودرحالیکه چندکلمه باسردبیر درگوشی صحبت کردند، دفترمجله‌را ترك نمود

بعدازرفتن ناهید، سردبیرخنده‌کنان گفت

ـخبرنداری، ناهید خیال دارد شخصا شهرفرنك را بنویسد وازیکساعت‌قبل باهم دراین‌باره مشغول مذاکره بودیم و بطوری که اظهار میداشت جنته تودیگر خالی‌شده ولازم‌است شخص دیگری این امررا بعهده بگیرد. خیلی حرفهای دیگرهم راجع بتوزد که ذکرآنها خطرناك است!

ـهرطور جنابعالی دستوربفرمائید

ـبله به‌عقیده‌من بدنیست برای‌امتحان‌هم که شده یکبار اورا مامور تنظیم مطالب این‌صفحه بنمائیم البته این امر نباید کدورت خاطری درتو ایجادکند ومن بارضایت‌تو بناهید. دستور دادم که برای هفته آینده شهرفرنك را اوبنویسد

ـاختیاردارید‌قربان،هرطور میل‌مبارك است

باین ترتیب ناهید ازهفته آینده دکان‌شهرفرنگچی قدیمی‌را تخته کرده وخودشخصا قلم بدست گرفته و واردمبارزهٔ خواهدشد

درهرحال این‌تجربه‌ای‌است که درطی‌آن پرده‌ها پس رفته و حقایق نمودارخواهدشد وخوانندگان شهرفرنك‌خودشان دراین مورد قضاوت خواهندکرد!

✽ راستی مطلبی راکه ناهید از چندی‌پیش دراختیار مخلص گذارده وبعلت تراکم مطالب تاکنون‌چاپ آن بعهده تعویق افتاده است بی‌مناسبت نیست که دراینجانقل‌کرده وباین ترتیب دیگرحسابی بایکدیگر نداشته باشیم.

«ای دختران! اگرمیخواهید زودترمادرشوید وبخانه‌شوهربروید کمتراز ستارگان سینما تقلید نمائید، کمتر لباس تنك بپوشید، کمتر

✽ خبر تاسف‌انگیزی که‌هفته گذشته باعث ناراحتی روحی کلیه محافل هنری گردید، آتش گرفتن تآترتهران وآوارگی رقاصان آلمانی میباشداین طفلکها حالاکه با آتش گرفتن تآترهمه‌چیزخود را از دست‌داده‌اند معلوم نیست شبها کجا میخوابند وتوی شهر باین بزرگی ازهمه بدتر با زبان بی زبانی

چطور زندگی‌خودرا دوبراه میکنند. ماامیدواریم که‌هرچه‌زودترتآتر تهران دوباره‌شروع بکار کرده و هنرمندان برهنه دوباره مشغول کسب‌روزی حلال‌شده وازآوارگی نجات پیداکنند!

آرایش نمائیدکه مورد توجه مردها نخواهید بود! هرچه‌ساده‌تر بهترخواهد بود، زودترباخانه شوهر خواهید رفت، ناممکن است خیال رفتن باداره راانداشته باشید چون محیط اداره بدنام است، کمترمردی زن اداره‌ای را خواهان است. چون‌میداندکه ... شده است وبدردزندگی‌نمیخورد ودرس زندگی بیاموزید، خانه‌داری وامثال آن اگرصوهرنکردید بمن لعنت بفرستید، اگررفتید بخانه شوهرمرا دعای خیرنمائیداگراین‌کارها راکردید وشوهر نمودید وخدا فرزندی‌بشما داداسم اورا بگذارید محمود ویادمن‌باشید!

✽ بدنبال بسته شدن تآتر تهران وآوارگی رقاصان‌خارجی آخرین خبررسیده‌حاکی است که ستاد مرکزی هنرمندان وطنی برای همیشه تخته شده وحتی عمارت آن‌را تبدیل بخرابه‌های اسف‌انگیزی نموده اند.

مسلما این‌عمل ضربه‌بزرگی به پیکر هنرایران وارد خواهدساخت وهنرمندان وطنی محل اجتماع‌مفید ومجانی‌خودرا ازدست‌داده وازاین ببعد در حال آوارگی بسر خواهند برد. بطوریکه یکی‌ازمنابع نیمه رسمی‌هندی اطلاع میدهد عده‌ای‌از هنرمندان درصدند دریکی‌ازقهوه خانه های واقع درکوچه‌های‌لاله‌زار جلسات هنری خودرا تشکیل‌داده وهنرمندان را از آوارگی نجات دهند درضمن اجتماع دراین‌محل ازلحاظ مادی نیزکاملا بصرفه‌بوده‌و صرف یك‌چای قندپهلوبه ثروت‌پدری هنرمندان هیچگونه لطمه ای وارد نمیسازد!!

سینما **کریستال** بزودی بانمایش فیلم جاده‌مخوف که از آخرین محصولات کمپانی معظم(آر-ك-اورادیو) می باشد فعالیت‌نوینی را در زمینه نمایش فیلمهای عالی شروع خواهد نمود

«مارلون براندو»

MARLON BRANDO

هنرپیشه فیلم «جوانان وعروسکان»

آکتور سی ساله ایکه فقط با شرکت در کمتر ازده فیلم به‌شهرت عظیم وجهانگیر کنونی رسیده‌است بعن یکی ازتواناترین هنرپیشگان جهان وهنرمندی است که صفت «VERSATILE» کاملا بوجود وی میبرازد زیرا که این مرد با ایفای نقش‌هائی که هریك ازنظر کیفیت نهانی و مشخصات درونی برسوناژها بادیگری تفاوت بسیار داشته‌است ثابت نموده که هنرش‌را درکادریك «تیپ» خاص محدود نکرده است . «براندو» شاگرد مکتب «الیاکازان» وکسی استکه این کارگردان بزرك ویرا «بزرك‌ترین هنرپیشه جهان» لقب داده است .

شایداین یك‌عقیده‌شخصی باشد ولی‌مسلم آنستکه «براندو» لااقل یکی ازبزرگترین آکتورهائی‌است که‌جهان سینما تاکنون بخویشتن دیده‌است.

وقتی که هفت‌سال پیش «براندو» بازیرپیراهن‌مشهور، شاوار بلوجین وپای برهنه درهالیوود ظاهرشد جنبشی شدیدتر ازیك زمین لرزه مهیب دراین شهرایجاد نمود زیرا که‌تاقبل ازآن تاریخ‌سابقه نداشت هنرپیشه‌جوان‌وگمنامی بدون‌شرکت درحتی یك فیلم تااین‌اندازه مورد احتیاج فیلمسازان هالیوود باشد و خود او بااطلاع از این امرتا این حدبهمه قوانین ورسوم جاری در پایتخت‌سینمایی‌اعتنا بماندو نظریات وتمایلات‌عجیب خویشرا برشخصیت های ذی‌نفوذ سینمائی تحمیل نماید. خصیصه برجسته واصلی وجود این مرد،سرکشی مفرط‌وعلاقه شدیداو بآزادی فردی است «براندو» در تمام زندگی خویش ازهر نوع قانون ومقرراتی که اورا مکلف به پیروی ازروشی خاص بنماید بیزار بوده است‌وسابقه خصوصیت‌اخلاقی ویرابابد ازدوران طفولیت و ایام تحصیل درمدرسه جستجو کرد. وقتی که‌شاگردمدرسه تازه‌سالی بیش نبود باگردنکشی‌ونافرمانیهای‌خودچنان اولیاء مدرسه‌را بستوه آورد که ناگزیر با خواهش وتمنا از پدر و مادروی خواستند که فرزندشان را ازآن مدرسه‌خارج کنند «براندو» این‌را ازخدامیخواست ؛ پس روی بجانب‌تئاتر نمود ومصمم‌شد که‌حرفه هنرپیشگی راانتخاب کندزیرا فکر میکرد که دراین حرفه می‌تواندهر نوع قانون ومقرراتی را زیر پا بگذارد . پس ازیکسال تحصیل‌در کلاس درام موفقیت شگرف وغیر منتظره بدست آورد . شرکت‌در نمایشاتی مثل « مادرم را بخاطر میآورم» «کافه سرراه» «پیدایش یك‌پرچم» وبالاخره « اتوبوسی بنام‌هوس» نام‌اوراکه هنوزدرآغاز جوانی بود سرزبانها انداخت ودر طی‌مدتی کوتاه چشم‌امیدگردانندگان تئاترهای برودوی بسوی‌این‌هنرپیشه جوان وخوش‌آتیه دوخته شد .

درخلال این‌مدت«مارلون» در«استودیوهنرپیشگان» که پایه گذارآن (الیاکازان) بودنام‌نوشت ودوره‌آنرا باموفقیت بانجام‌رساند. ازاین مکتب هنرتاکنون‌آکتورهائی نظیر«جیمزدین» و «رود استایگر» بعرصه سینماقدم‌نهاده‌اند. هالیوودنمی‌توانست وجودبرجسته وهنرارزنده این هنرپیشه جوان‌را نادیده‌بگیرد. در ۱۹۵۰ «مارلون» به‌دعوت «استانلی کرامر» تهیه کننده بزرك به‌هالیوودآمدتاتحت نظر«فردزینمان» نقش‌اول فیلم «مردان» رابعهده‌بگیرد. تاآنوقت وی کلیه پیشنهاداتی را که برای شرکت‌درفیلم بوی‌عرضه شده‌بوددرد نموده وعذرآورده بودکه مایل نیست‌خودش‌رازندانی قراردادهای سینمائی بنماید . بعدازاتمام‌این‌فیلم وی باردیگربه برودوی بازگشت‌و چندی نیزبمسافرت پرداخت ، در ۱۹۵۱ وی مجددا بهالیوودرجعت نمود تادرمقابل «ویوین‌لی» در «اتوبوسی بنام‌هوس» ظاهرشود. نقش اودراین‌فیلم باچنان‌خصال‌ذاتی وی‌موافق بودکه ویرا ازآن‌به‌بعد بنام‌قهرمان داستان «اتوبوس» یعنی«استانلی کووالسکی» میشناختند گرچه «مارلون» خود حاضرنیست که‌دریك تیپ‌خاص‌محدود شودولی باید اذعان کردکه برجسته دلهای وی‌همان‌هائی بوده است‌که وی شوروحرارت‌درونی‌خویش‌رابدون خودداری ریخته‌است . وی پیرو مکتب وشاگرد «الیاکازان»مردی است‌که «VIOLENCE» مایه اصلی واساس هنراوست. دراغلب بازیهای برجسته وقابل توجه «براندو» نیزخشونت و شدت عمل ، تم‌اصلی است‌شرکت‌درفیلمی که‌این خشونت راتا سرحد امکان میدان میداد برای وی یك جایزه اسکارکسب نمودااین‌فیلم «دربار- انداز» بود. براندوپس ازدوفیلم اولیه‌خود به‌ترتیب تاکنون در «زنده‌بادزاپاتا» (۱۹۵۲) - «جولیوس سزار» (۱۹۵۳) - «وحشی» (۱۹۵۳) - «دربار- انداز» (۱۹۵۴) - «دزیره» (۱۹۵۵) «جوانان وعروسکان» (۱۹۵۶) - «قهوه خانه اگوست مون» (۱۹۵۶) ظاهرشده‌است. فیلم «سایرونا»ی وی اکنون جلوی‌دوربین است‌وگفته میشود که پس‌ازاتمام این‌فیلم‌وی‌در«شیرهای جوان» ظاهرخواهدشد.

بیوگرافی هنرهنداز پشت پرده

جین کودان کلی -هنرپیشه، کروگرافر، کارگردان‌وتهیه کننده

۲۳اوت۱۹۱۲ درشهر پیتسبورك واقع درایالت پنسیلوانیا متولدگردید .

۱۹۳۳-دررشته‌هنرهای زیبا ازدانشگاه پیتسبورك فارغ - التحصیل‌شد.

۱۹۴۱- با«جنی بلیر» ازدواج کرد اکنون یکدختر بنام «کری» دارد.

دربرودوی‌نمایشنامه‌های زیررا بازی‌نمود.

۱۹۳۸ -آنرا بمن‌واگذارکنید

۱۹۳۹-یکی برای‌پول

۱۹۴۰-دوره زندگی شما

۱۹۴۱- پال‌جوئی

ونمایشنامه‌های زیررا شخصا بروی‌صحنه‌آورد.

۱۹۴۰-نعل‌الماس

۱۹۴۱-بهترین خوراك آینده

فیلمهای مهمی که‌درآنها شرکت نموده و گاهگاه کروگرافی آنهارا انجام داده است

۱۹۴۲ -من‌ومحبوبم

۱۹۴۴-لنگرکشتی

۱۹۴۸-دزددریائی

۱۹۵۰-سه‌تفنگدار

۱۹۵۱-یك آمریکائی درپاریس

۱۹۵۴ - بریگادون

درکارگردانی فیلمهای زیر شریك بوده‌است:

۱۹۴۹ - درشهر

۱۹۵۱-آوازدرباران

۱۹۵۵-هوا همیشه خوب‌است

وفیلمهای‌زیررا بتنهائی تهیه‌وکارگردانی نموده

۱۹۵۶-دعوت برقص وجاده خوشبختی

درسال ۱۹۵۱ ازآکادمی هنروعلوم سینما برای‌کروگرافی فیلم «یك‌آمریکائی درپاریس» جایزه«مخصوص» اسکار رابدست آورد

از۱۹۴۴ تا ۴۶ درنیروی‌دریائی آمریکابادرجه‌افسری‌خدمت نموده‌است.عضو جمعیت استادان‌رقص (واقع درشیکاگو)واسکرین آکتورزگاید

آدرس‌منزل : ۷۲۵ن.رودئو درایو- بورلی هیلز.لوس‌آنجلس

دوست من

((ب ـ ر ـ ا ـ ن ـ د ـ و))!!

بارها شنیده‌ام که مخبرین جراید و محافل سینمائی مرا بهترین و صمیمی‌ترین دوست « براندو » معرفی کرده‌اند، درحالیکه من این شایستگی را درخود نمی‌بینم . قبل ازاینکه مطالبی چند اززندگی اورا همانطورکه بچشم‌دیده‌ام شرح‌دهم میخواستم اضافه کنم«براندو» یك جوان ساده ومعمولی نیست ... من نام‌اورا « نابغه‌قرن » گذارده‌ام ولی‌خواهش میکنم این حرف را مبنی برتظاهر و تعریف بی جهت ندانید!«براندو»را مردم جهان ، علاقمندان بیشمار او شاید بیش‌از آنچه که من‌میشناسم بشناسند ولی یك نکته باقی‌میماند آنچه که‌من‌از خصوصیات‌زندگی‌اش میدانم‌تمجید وتعریف‌های بیموردنیست . . . گوشه ایست ازهزاران حرکات ورفتار یك «نابغه بزرك» سینمای آمریکا !

من و«مارلون» در یکی از روزها که قرار بود پیس«کافه‌سرراه» را روی صحنه آوریم بایکدیگر آشناشدیم ، «مارلون » قبل از شرکت دراین نمایشنامه با پیس « مادرم را بخاطر میآورم » فعالیت‌های تئاتری خودرا شروع کرده‌بود ازاینجهت اولین‌روزیکه تمرین نمایش جدیدما آغاز شد بخوبی پی‌بردم که «مارلون» بیش از آنچه که من‌تصور کنم در ایفای رل‌خود مهارت وتوانائی دارد

تقریبا پس‌ازاتمام این‌پیس، و موفقیتی که بدنبال‌آن نصیب‌من و «مارلون» گردید دوستی‌حقیقی ما شروع‌شد قبلا میخواستم مطلبی را یادآورشوم که من در زندگی خیلی کم بادوستانم (که عده‌اشان بسیار قلیل‌است) رفت‌وآمد میکنم ویکی‌ازموضوعاتی که باعث‌کمی معاشرت من‌ودوستانم‌هست صحبت هائیست که سایرین درباره مثلامن وفلان دختر یاهمسر یادوستم میزنند

شاید درهالیوود، هیچکس بهتر ازاین‌مرد کوتاه چهل‌وسه ساله که با چشمان درشت وموهای قهوه‌ای وبینی زشت اینهمه‌شهرت ومحبوبیت بدست آورده«**مارلون براندو**» چهره‌هنرمند سینمای کنونی راکه عنوان« نابغه سینمائی قرن بیستم »را دارد‌بشناسد« **کارل مالدن** » یکی ازچند دوست معدود « براندو»ست،وی درسال ۱۹٤٦ هنگامیکه درنمایشنامه « کافه‌سرراه» اثر (ماکسوئل آندرسن) شرکت‌کرده با « براندو» دست‌دوستی‌داد. بعد، قریب دو سال متوالی با این چهره هنرمند دربرودوی ، درپیس « اتوبوسی بنام‌هوس» ایفای رل کرد . طی اینمدت طولانی،آنها بروحیه وصفات خویش کاملا آگاهی حاصل نمودند . تااینکه«اتوبوس»را درهالیوود باتفاق بپایان‌رسانیدند ، «مالدن» بخاطر شرکت درآن‌جایزه اسکار گرفت... درسال ۱۹٥٤ نیز کمپانی کلمبیا باشرکت آندوفیلم «درباراندازا»راساخت واین‌بار «براندو» جایزه اسکار بدست آورد... بمناسبت نمایش فیلم عالی «جوانان وعروسکان» وی مطلبی‌راکه «مالدن » درخصوص براندو نگاشته‌است بنظرتان میرسانیم.

« پرویز نوری»

همین‌جریان بعقیده خود من سبب سستی‌رشته محکم دوستی‌ما میشود برخلاف آن‌وقتی من و«مارلون» یکدیگررا لایق دوستی‌هم دیدیم غالبا روزهارا باتفاق‌سیری‌مینمودیم «مارلون» نمایشنامه «کانادائی» رادریکی ازتماشاخانه‌های نیویورك بازی کردواولین‌شبی که این پیس روی‌سن آمد من در سالن حضور بهم‌رساندم !

(الیاکازان)رامن و«مارلون» درست نمی‌شناختیم‌ولی اسمش را درتهیه نمایشات بزرك‌شنیده بودیم وقتی که (کازان) هردوی مارا در پیس« کافه سرراه» دید تقاضاکرد که درکلاس هنرپیشگی او بفرا گرفتن رموزوفنون‌مربوطه‌بپردازیم بااینکه «مارلون»رضایت نداشت جزو«شاگردان» (کازان) بکار پرداختیم چند ماهی نگذشته بود که ازهالیوود «مارلون»را برای شرکت درفیلم « مردان » دعوت کردند این‌فیلم‌را همانطورکه‌خود «براندو» بعدها بمن گفت بخاطر کارگردان‌بزرگی مثل(فردزینمان) و تهیه کننده هنرمندی همچون (استانلی کرامر) بازی نمود و غوغای نمایش‌آن‌را قطعا شنیده‌اید پس‌ازپایان این‌فیلم«مارلون» نزد من به‌برودوی بازگشت وشرکت در پیس «پیدایش یك پرچم» راباکمال رضایت پذیرفت. همین موقع بود که (کازان) من و «مارلون» را باخودبهالیوودعوت کردتافیلم «اتوبوسی بنام‌هوس»را بپایان برسانیم ؛ فراموش نشود که نمایشنامه همین فیلم‌را خودمن و«مارلون» دو سال در برودوی بازی‌کرده بودیم،فیلم «اتوبوس» بااینکه برای من اسکاری بهمراه داشت ولی برای « براندو » جز شهرت‌فراوان وحرکات عجیبی که مردم‌وعلاقمندانش آنرابه «جنون موقتی ! » تعبیر میکردند نتیجه دیگری نداشت... امانقش«استانلی کووالسکی» باندازه‌ای بازندگی خارج اوشبیه درآمدکه‌خود منهم درحیرت و تعجب باقی ماندم که

زنانی که درزندگی‌اش بوده‌اند... «ریتامورنو ، شارلت آستین و اورسولا آندرسن» عقیده‌دارند «براندو» یك نابغه سینمائی است !

این جوان حقیقتا «براندو» ست یا «استانلی کووالسکی» است که درزندگی دل «براندو» را بازی مینماید !

شب بعد از نمایش فیلم «اتوبوسی بنام‌هوس» ، من و «براندو» عازم یك میهمانی اعیان واشرافی شدیم . برای‌من تعجبی نبود از اینکه هنرمند بزرك فیلم «اتوبوس» یك بلیز معمولی که‌حتی هنگام خواب هم از خود دور نمیساخت ! با یك شلوار بلوجین پوشیده وبجای کلاه سیلندر خود یك کلاه پوستی که کارگرها هم بسر نمیگذاشتند باخود همراه آورده بود؛ کسانیکه درمهمانی بودندتصور کردندکه هنرپیشه محبوب بخاطر دل‌مشکل «استانلی» دیوانه شده و از تیمارستان فرار نموده است ! تازه این‌ازکارهای ساده ومعمولی اوست. یادم‌نمیرود یکشب‌دیگر که من درمجلس‌جشن‌مجللی انتظار او را میکشیدم ناگهان با شلوار کرباسی وپیراهن نخی نازك بسالن واردشددرحالیکه همه‌لباس فراك پوشیده‌بودند ؛ اما از تمام این جریانات خوشمزه تر روزی بود که‌تازه فیلم «زنده‌بادزاپاتا!» را بپایان رسانیده بود،من و همسرم (مونا) برای‌خریدبه‌نیویورك آمده بودیم ومن‌داشتم ازهنر «مارلون» نزد اوسخن‌میراندم‌که ناگهان صدای گوشخراش موتور سیکلتی درهوا طنین انداخت روی خودرا برگرداندم ازتعجب درجایم خشك شدم ... «براندو» سوار بر موتور سیکلت ازخیابان میگذشت ، بدتر ازآن‌ماسك سیاهی‌هم بصورت‌خود زده‌بود! همسرم نگاهی بمن کرد و قهقهه خنده‌را سرداد

در سال ۱۹۵٤ بار دیگر (کازان) باشرکت من و «مارلون» فیلم‌دیگری بنام « درباراندار » ساخت ... «مارلون» بخاطر بازی جالب خود در این فیلم اسکار گرفت امامن سرم بیکلاه‌ماندروز بعد که وی جریان دلخوری مرا شنید بمنزل ماآمد وجایزه اسکارش را هم‌همراه آورد ... نگاهی بمن کرد وبالبخندی گفت «بیامال تو ... یك اسکار که‌اینهمه ناراحتی وعصبانیت میخواهد !»

ازهمانروز برمن آشکار شد که «براندو» مهمترین دوست دوران زندگی منست تاقبل‌ازوقوع این‌واقعه او باوجوداینکه علاقمندان ومشتاقان زیادی داشت هیچوقت با زنان وآرتیستارکان طناز و زیبای هالیوود وعده ملاقات نمیگذاشت لیکن پس‌ازاتمام‌فیلم «درباراندار» بمن اطلاع‌داد که عاشق یکدختر فرانسوی ۱۹ ساله بنام « ژوزان ماریانی» گردیده است باو گفتم این عشق‌های شدید وسوزان را حقیقی نداند،زنی خوبست که بااخلاق وروحیه‌اش جوردرآید روز بعد بمن اطلاع‌داد که دخترك‌او راترك

بقیه‌درصفحه ۳۰

اختلاف من و «براندو» فقط روی این گربه سفیداست که او همیشه درآغوش خود دارد !

بررسی فیلمهای ۱۹۵۷

م - الخاص

یوتابلین (وسترن)
کلمبیا

... «روری کالهون» دراینجا نقش یکی ازتیراندازان چابك و شهیر تاریخ گذشته آمریکارابر-عهده‌دارد که بعلت صلح و آرامشی که بتنهائی در یکی از شهرهای ایالت «یوتا» بوجودآورد هنوز بنام «یوتابلین» معروف است

داستان زندگی این مرد که سوژه این فیلم‌را تشکیل میدهد با حقیقت کاملامنطبق است و در انتخاب «روری کالهون» برای نقش «یوتابلین» دقت وسلیقه فراوانی بکار رفته‌است اوشجاع، خونسرد ودرکشیدن طپانچه بینهایت زیرك وبازیش ازنقطه نظر نشان دادن ابهت وشجاعت «یوتابلین» کاملا جالب وتماشائی است

«سوزان کامینگز» و«آنجلا بلیك» که درابتدای فیلم خانواده آنها توسط دزدان بقتل میرسند، هردو رلهای حساسی راایفاءمینمایند «ماکس بائر» در نقش یکی از جنایتکاران خطرناك عالی است

این فیلم توسط سام کاتزمن و بکارگردانی همکار همیشگیش «فردسیرز» تهیه شده‌است

«خوب» ـ گاس دالاس ـ فوریه ۱۹۵۷ ـ ۷۵ دقیقه
روری کالهون ... یوتابلین
سوزان کامینگز... انجی کینیون

منتهی بدجنسی (درام)
کلمبیا

... داستان فیلم درباره زن زیبا اما تهیدستی است که دریك مسابقه زیبائی بابدست آوردن دل مردی که این مسابقه‌را ترتیب‌داده جایزه‌را میرباید

این جایزه یك مسافرت مجانی است باروپا

در این مسافرت او مردان مختلفی‌را بدام میاندازد و هریك ازآنهارا بترتیب بعدازآنکه بعشق خود گرفتار نموده و سر کیسه مینماید بابی اعتنائی ترك میگوید این جریان تا مدتی ادامه میابد و بنظر میرسد که جاه طلبی این زن خودخواه پایانی دربر ندارد تااینکه جنایتی بوقوع میپیوندد واین امر پایان آنتریك داستان و همچنین فیلم میباشد

زیرا در اینجا تماشاچی بحقیقت پی برده ومیفهمد که سالها قبل هنگامیکه این زن کودکی بیش نبوده توسط عده‌ای مورد تجاوز قرارگرفته وکلیه اعمالی که ازآن ببعدازاوسرزده‌ازحس انتقام وتنفراو از مردان ناشی شده اند

مرض روحی این زن اورا در نزدقانون وتماشاچی تبرئه نموده‌و پایان خوش فیلم‌را بوجودمیآورد

«آرلین دال» این هنرپیشه دلارام که زیبائیش دراین فیلم چشم انسان‌را خیره میسازد نقش این مخلوق زیبا، یعنی قهرمان داستان‌را برعهده دارد

کارگردان فیلم «کن هیوز» میباشد که درضمن سناریو را نیز تنظیم نموده است

«خوب» ـ جی رمر ـ فوریه ۱۹۵۷ ـ ۹۴ دقیقه
آرلین دال... کاتی
فیل کاری... تیم
هربرت مارشال... استیفن کالینز

پنج قدم بخطر (پلیسی وجنائی)
یونایتد آرتیستس

... دراین فیلم «روت رومن» و«استرلینك هیدن» در اشکالات و موانع سختی گرفتار شده‌اند. جاسوسان روسیه شوروی، کارمندان اداره ضد جاسوسی آمریکا، پلیس، مامورین شهربانی، جنایتکاران و آیاچیز دیگری هم باقی ماند؟

سناریو توسط «هنری کلر»، تهیه کننده و کارگردان فیلم از داستانی درمجله ساتاردی ایونینك پست تنظیم شده‌است

ازابتدای شروع فیلم اشخاص وقیافه‌های مختلفی که باعجله برفت وآمد مشغولند نشان داده میشوند وتاپایان فیلم تماشاچی قادر نمیشود سروته موضوع‌را بهم آورد ودلیلی برای اینهمه عجله ورفت وآمد بیابد

خداراشکر که چندین صحنه پراز اکسیون درفیلم موجوداست وگرنه درغیر اینصورت هیچکس تاب دیدن فیلم‌را تاانتها نمیتوانست تحمل نماید

(قابل دید) ـ لاورنس کوبرك
ژانویه ۱۹۵۷ ـ ۸۰ دقیقه
روت رومن... آن بکولسون
استرلینك هیدن... جان امت

تازیانه سیاه (وسترن)
فوکس (رگال) سینماسکوپ

... «هومارلو» و «کالین گری» دلهای تخست این فیلم وسترن پیش وپا افتاده رابرعهده دارند:

داستان فیلم مطابق معمول ازیك آنتریك بچه گانه و مقداری زدوخورد و قتل و کشتار تشکیل شده وهیچگونه امتیازی دربر ندارد

جنایتکاری اززندان میگریزد وکلانتر شهر چهار رقاصه کاباره را که دراین باره مورد سوء ظن قرارگرفته‌اند ازشهر تبعیدمینماید دربیرون شهر چند مرد بجان این چهارزن میافتند که زن خوب ومرد خوب درآخر فیلم بهم میرسند

تهیه کننده فیلم رابرت استابلر وکارگردان آن چارلز مارکویز وارن میباشند

(قابل دید) ـ الن ویدم ـ دسامبر ۱۹۵۶ ـ ۷۷ دقیقه
هومارلو ـ کالین گری ـ ریچارد گیلدن

کلی ومن (درام)
یونیورسال، رنگی و سینما سکوپ

... این فیلم داستان سگی است وارباباش و زندگی پراز فراز و نشیب آنها درعالم نمایش. چند جریان عشقی وبعلاوه چند قطعه موزیکال (آوازورقص) دراین فیلم دیده میشود ولی باوجود این همان سك است که سایرجزئیات را بکلی تحت‌الشعاع قرار میدهد و تماشاچی باو و جریانش علاقمند می‌شود

وان جانسن که همان «من» در تیتر فیلم میباشد مردیست که سگی باوفا وهنرمند دارد. کلی (نام سك) ارباباش‌راهمه‌جا تعقیب مینماید و آنهاباتفاق یکدیگر در شهرهای مختلف نمایشاتی می‌دهندوزندگی خودرا بدینوسیله تامین مینمایند. پاپیرلوری دختر یکی از تهیه کنندگان سینما با این‌دو روبرو می‌شود و پدرش‌را وادار مینماید که باآندو قرار دادی برای تهیه فیلم ببندد

قرارداد بسته می‌شودو «کلی» است که دراین قرارداد دل نخست را بازی مینماید وبه‌وان جانسن فقط بعلت آنکه سك حرف شخص دیگری بجز اورا نمی‌شنود حقوق مختصری میپردازند. مدتی بعد «جانسن» وجود خود را در آنجا زیادی تشخیص میدهد و هالیوودرا ترك دیگری میرود. امادراتهای فیلم هیجانی شدید تماشاچی‌را در بر میگیرد و سك وفادار تمام این مسافت‌را پیموده ولینمت خودرا مییابد وخود را در آغوش او میاندازد. آنهاباز باتفاق یکدیگر زندگی ساده وخوش خودرا شروع مینمایندوان جانسن در نقش قهرمان داستان دل خودرا باتسلط وهنرمندی تمام اجرا نموده وتماشاچی نسبت باوعلاقه ودریکی دو صحنه ترحم شدیدی حس مینماید. بازی پاپیرلوری در نقش دختری که اوراحقیقتادوست دارد جالب وانسلواستیونس دل پدر حساس و فهمیده «لوری» را عالی ایفاء میکند

تهیه کننده فیلم رابرت آرتور وکارگردان آن رابرت لئونارد میباشند

(خیلی خوب) ـ جی رمر آوریل ۱۹۵۷ - ۸۶ دقیقه
وان جانسن ... لی کارمودی
پاپیرلوری... میناوان رانکل

اشك برای سیمون (ملودرام)
آرتوررانك انگلستان، رنگی

... ربودن یك طفل هیجده‌ماهه وجدیت پلیس برای یافتن اوسوژه این فیلم ملودرام‌را تشکیل میدهند

«دیوید فارار» نقش یك پلیس اسکاتلندیاردو «دیوید نایت» باتفاق «جولیا آرنال» رلهای والدین کودك‌را برعهده‌دارند پلیس بعداز آنکه چندین خانواده بدون فرزند رامورد سوءظن قرار میدهد و از آنها بازجوئی میکند بالاخره‌دزد حقیقی‌را میابد اوزن جوانی است که بعلت مرك فرزندش این طفل‌را ربوده تاعشق مادری خودرا تاراو نماید

درصحنه انتهائی هیجان درام باوج خود میرسد وشاید تماشاچیان نیز همانند والدین سیمون (طفل هیجده‌ماهه) چند قطره اشك درچشمانشان حلقه زند

تهیه کننده فیلم «دیوین کاکس» میباشدو کارگردانی آنرا «گای گرین» انجام‌داده است

(خوب) ـ وینسنت کاتی ـ ژانویه ۱۹۵۷ ـ ۹۱ دقیقه
دیوید فارار... کریك
دیوید نایت... لی
جولیا آرنال ... جو

اصول کارگردانی

نوشته : لوینگستن
کارگردان فیلم ارتش آمریکا

ترجمه وتلخیص
منوچهر طیاب

شخصی درروی یك صندلی که درایوان قراردارد نشسته است. سپس ازجای خود بلندشده و بیکراست بطرف دوربین پیش میرود او بزرگتر وبزرگتر شده تااینکه تمام کادربا سروشانه‌اش پرمی گردد. اکنون زمینه آنقدر نامرئی است که دیگرقسمت اصلی صحنه را تشکیل نمیدهد میوراز منظره عمومی LonG - Shot به نیم تنه (CLOSE - UP) مرد محققاً بوسیله حرکت موضوع انجام شده.

۲ - حرکت دوربین ، این صحنه نیزمانند صحنه قبل شروع میگردد یعنی همان عمارت وهمان شخص که درروی صندلی نشسته است . اوآنقدر کوچك است که بسنگی‌اش باخانه وایوان و چمن جلوی آن وبادرختها بزحمت تشخیص داده میشود . حال دوربین را آهسته بخانه نزدیك می کنیم . اکنون صحنه باایوان وجلوی عمارت پرشده وآنقدر بجلو میرویم تااینکه کادر باسروشانه آنمرد پرشود دوباره انتقال ازمنظره عمومی به نیم تنه مرد انجام‌شده امااین مرتبه آنرا باحرکت دوربین باتمام رسانیده‌ایم

(شکل دوبرو)

۳ - حرکت موضوع ودوربین بایکدیگر: ایندفعه نیزصحنه مانند دوصحنه قبلی شروع میگردد. باز همان عمارت ومردرا می‌بینیم. اواز روی صندلی بلندشده وازایوان پائین میآید ودرامتداد جاده شروع بقدم‌زدن مینماید . برای آنکه اورا درصحنه نگاهداریم دوربین بطرف راست (حرکت افقی) چرخش مینماید واشیاء واراضی جدیدی نمایان میگردند درزمینه یك ساختمان دیگر دیده میشود . درحالیکه جوانی با دوچرخه بطرف جلومیآید. دراین وقت مرد ازجلوی دوچرخه گذشته وازکادر خارج میگردد. ودوربین بروی نیم‌تنه جوان توقف مینماید.

(شکل دوبرو)

دراین صحنه توجه ما ازعمارت بمرد وبعد بعمارت دیگر وبانزدیك شدن دوچرخه سوار تغییر داده‌شده وهمچنین حرکت موضوع ودوربین بایکدیگر انجام گردیده.

غالباً درفیلمهای خوب حرکت موضوع وجمیع حرکات دوربین را بایکدیگر مشاهده می کنیم که بهواری اجرا میشوند وتشکیل صحنه‌های خوب را میدهند. ازاین راه است که کارگردانان میتوانند فیلمهای پردرآمد وبااوزش تهیه کرده ونتایج قابل توجه بدست آورند.

تکنیکهای سمعی :

قبل ازاختراع صداهای فوق بعلاوه سایت بازیکنان تنها طریقه کارگردان برای شرح داستان بود، اماامروزه اومیتواند تکنیك های سمعی را نیزبآنها اضافه که زیرا بااین وسیله فیلم برای اغلب مردم هاعصر که طبیعی اتفاق افتاده مجسم میگردد.

تکنیکهای سمعی چهار دسته تقسیم میگردند

۱- صدابرداری مستقیم:

صداهائی که درحال بازی ضبط میگردد وشامل گفتگو یا سخنرانی آکتورهاست

۲- نقل

گفتن تفسیر بوسیله یك گوینده نامرئی که اغلب نوع مسولی از فیلمها را هراقی میکند

۳- صداهای اضافی

صداهاوک ازاستش پیدا است آن دسته ازصداهائی میباشد که توانسته باشند کادرزمان بازی ضبط شوند وبنابراین درآخرین مرحله فیلم بسازآنکه بازی‌هر پیشگان تمام‌شده فیلم اضافه میشوند.

۴- موزیك :

موزیك فیلم کاسلسلات‌عمیق بشروابسط میدهد درانتهاآخرین مراحل تهیه اضافه میشود.

انواع فیلمها :

فیلمها بدو نوع (خبری) و (ادامه‌ای) تقسیم میشوند

بقیه درصفحه ۲۶

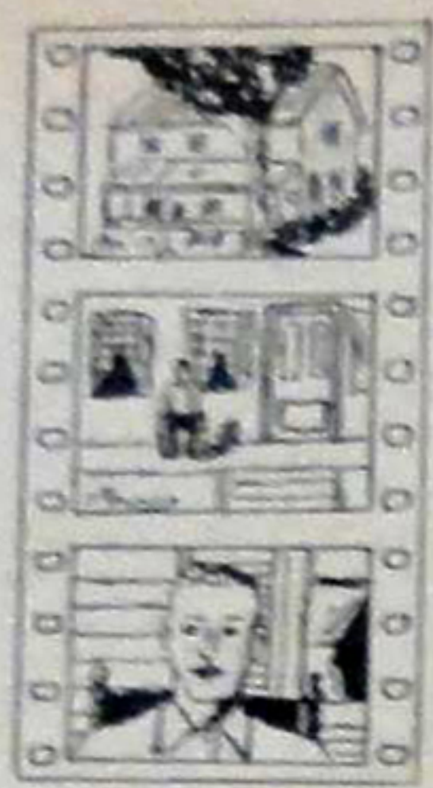

یک مثال از حرکت دوربین

(از منظره عمومی) dolly. Shot
close UP به long. Shot
(بنه)

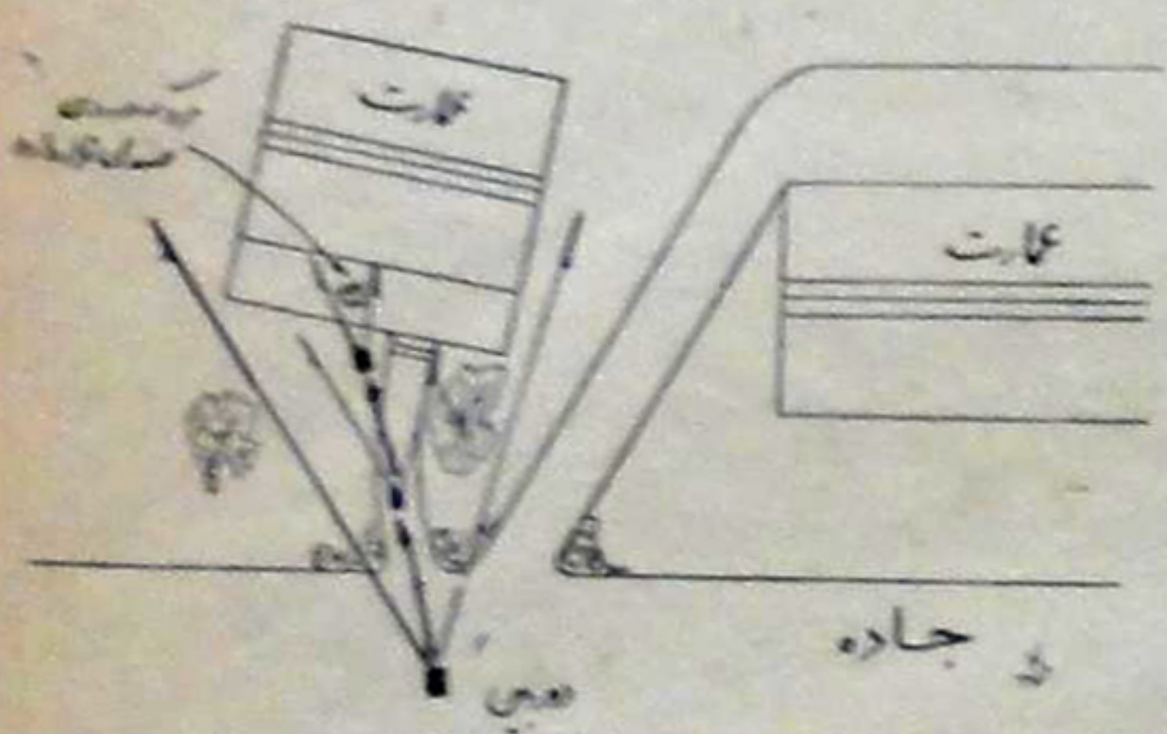

یک مثال از حرکت دوربین و موضوع

مرد از روی صندلی بلندشده و بطرف دوربین میآید وسپس بطرف عمارت دیگر میرود. (دوربین حرکت PAN انجام میدهد) در این موقع مرد از صحنه خارج میگردد و دوربین بروی صورت (CLOSE - UP) جوانی که درحال دوچرخه سواری است توقف میکند.

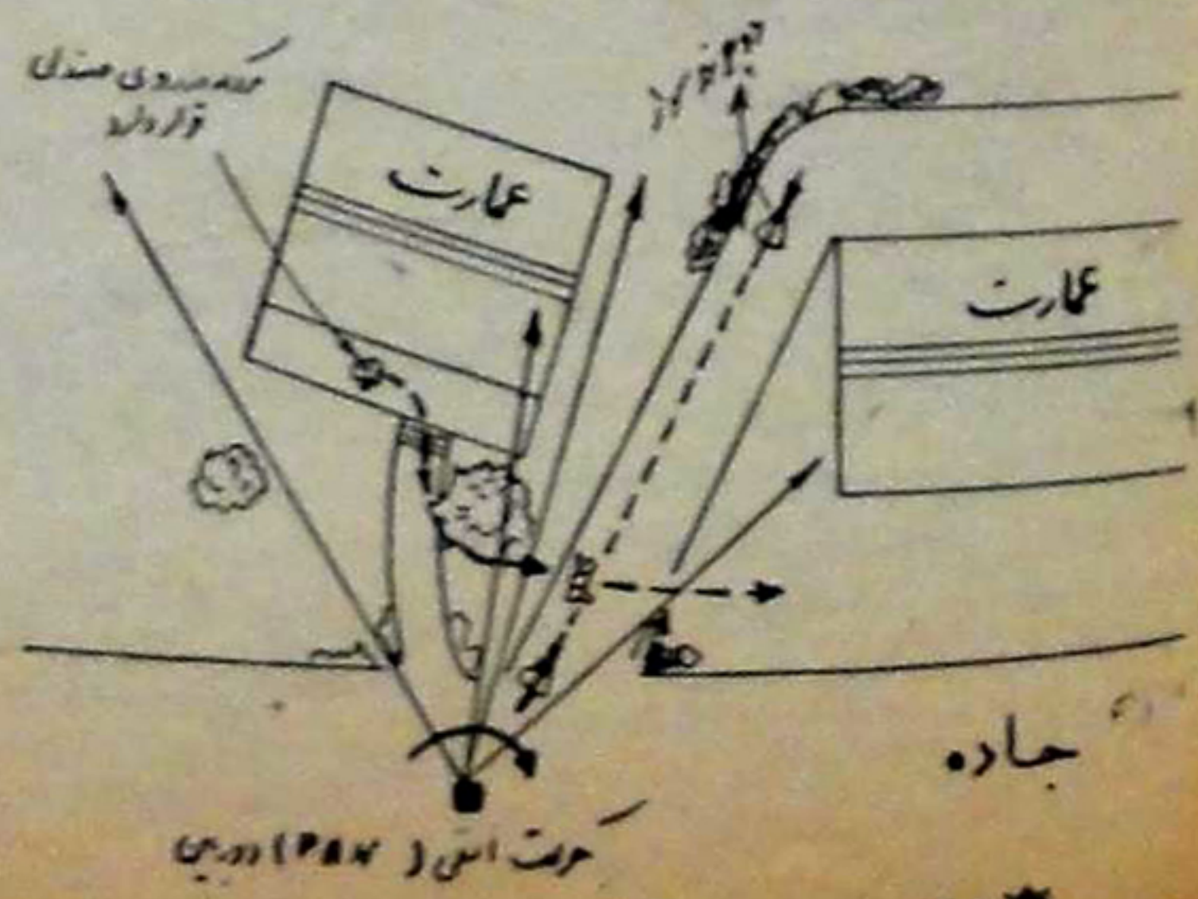

اریك فون اشتروهایم درگذشت...

چند روز قبل خبرگزاری فرانسه از پاریس اطلاع داد که اریك فون اشتروهایم پس پیری در اثر مرض سرطان درگذشت

اریك فون اشتروهایم یکی از مهمترین پایه‌گذاران سینما بود که از اروپا به هالیوود رفت و در دهه سوم قرن جاری، در ردیف بزرگترین کارگردانان این شهر محسوب میشد وی که گویا نخستین اثر مهمش را در سال ۱۹۱۹ تحت عنوان «شوهران نابینا» عرضه کرد، یکی از افرادی بود که در «پایتخت» سینما توانستند قدر وارزش اورا دریابند

باآنکه فون اشتروهایم صدها هزار دلار برسر فیلمهای خود می پرداخت، درمقابل خود آنچنان فقیرانه وتوام با فروتنی خاصی زندگی میکرد که جرایدمخالف، این را نوعی تظاهر ودروغ پردازی قلمداد میکردند. درمدتی که در هالیوود اقامت داشت با تحریکات بسیاری مواجه‌شد وهرگز نتوانست نظر «موافق» صاحبان تجارت سینمارا بخود جلب کند. علت بیشك آنست که اشتروهایم، خودیك هنرمند کامل بود، اما اربابانش، تنها مدیران عامل یك حرفه تولیدی در ردیف صنایع فولاد و سوسیس سازی بشمارمیرفتند

فون اشتروهایم یکی ازمشتاقان عمل به تجارب بدیع فیلمی بود. طی فیلمهای اولیه‌اش منجمله «شوهران نابینا» و «همسران احمق» وی علاقه خودرا به بررسی در اطراف کاراکترهای غیرمتعارف وانتخاب داستانهائی که دارای وجوه هجو آلود تلخ ونامطبوع بودند آشکار ساخت.

باتهیه شاهکار بزرگ سینما موسوم به «حرص» که درچهل ودو حلقه بوجود آمد وده ساعت طول نمایش داشت وی باوج خوددرسید این فیلم ازروی نوول تلخ وخون آلودی اثر فرانك نوریس، تحت نام «مك تیك» برداشته شده و داستان مرد معدنچی ای را بیان میکرد که به حرفه دندانسازی روی آورده و بادختری که دربخت آزمائی جایزه هنگفتی می‌رباید، ازدواج میکند. پایان داستان چنین است که شوهر همسر خودرا درطمع ثروتش بقتل میرساند و خودنیز بدست یکی ازدوستان سابقش در مهلکه مرك میافتد.

بااین فیلم، کارگردانی که خود قبلا درزیردست دیویدوارك گریفیت بعنوان یکی از آسیستان هایش انجام وظیفه کرده بود، راه های تازه‌ای به مبتدیان سینما نشان داد وامکانات این هنررا وسعت بخشید

درحالیکه گریفیت برای القای افه‌های موردتوجه، براصول مونتاژ متکی بود، اشتروهایم تاثیرات خودرا ازراه بیان و «نظر» بوجود میآورد.

یك نقطه نظر درباره اشتروهایم بیان شده است: کارگردانان غالبا فیلم خودرا با ازدواج زن ومرد داستان پایان میدهند. اما اشتروهایم فیلمهایش را با ماجرای ازدواج شروع میکرد و بعد مسائل قاطع جنسی مربوط بدوران بعدازازدواج رامطرح می‌نمود! دوفیلم «زنان احمق» و «شوهران نابینا» که دارای چنین تمی بودند، بسختی بابتخت سینمارا تکان دادند

برخلاف گریفیت وچاپلین اشتروهایم هنرمندی بود که هرگز نتوانست بامعیارهای تهیه فیلم در هالیوود کنار بیاید، بخصوص شم اقتصادی اوچه از نظر وقت وچه از نظر مخارج صفر بود شاید بدینجهت است که یکبار مصادر استودیو کار تهیه فیلمی را نیمه تمام ازاو باز گرفتند و بکارگردان دیگری سپردند. چه، بطوریکه لسلی وود مورخ سینما مینویسد، از این می‌ترسیدند که وی آنان را ورشکسته سازد!

بااینحال فقط یکبار اشتروهایم توانست «مراتب رضایت» صاحبان هالیوودرا بخود جلب کند، و آن هنگامی بود که فیلم «بیوه خندان» راتهیه کرد، یك فیلم تجارتی با سوژه احمقانه وقراردادی! بااینحال

بقیه در صفحه ۲۶

اوج درام رئالیست

دربالا دوصحنه ازفیلم «حرص» اثرفون اشتروهام دیده‌میشود هنرپیشگان «عبارتنداز: زاسوپیتس، گیبسون گولندوژان هرشولت

اریك فون اشترویم در «نشنال فیلم تیتر»، وابسته به انستیتوی فیلم بریتانیا، که در آن فیلمهای ذیقیمت تاریخ سینما بنمایش درمیآید، فیلم خود «حرص» را تفسیرمیکند. این عکس چندی قبل از مرك وی برداشته شده است.

جشن پانزدهمین سال ریاست اسپیروس .پ .اسکوراس

«مدیرعامل کمپانی فوکس قرن بیستم»

آثار برجسته‌ای که در پانزده سال اخیر توسط «فوکس قرن بیستم» تهیه شده‌اند و کاملترین وجامعترین اطلاعات دربارهٔ فیلمهای آینده این کمپانی

بمناسبت پایان پانزدهمین سال ریاست اسپیروس پ. اسکوراس مدیرعامل کمپانی فوکس قرن بیستم مجله «موشن پیکچرهرالد» شماره ۲۴مارس خودرا بطورکلی باین شخصیت بزرگ سینمای آمریکا اختصاص داده وشرحی ازز ندگی اوباانضمام فیلمهای بزرگی که دراین پانزده سال ریاست اوکمپانی اوکس بتهیه آنها موفق شده وشمه‌ای از فعالیت‌هاو اقداماتی که برای محصولات آینده‌کمپانی انجام گرفته‌اند دراین شماره مخصوص درج شده وازهرجهت جالب وخواندنی میباشند.

دراین مقاله مطالب عمده وجالب‌اهمیت شماره ۲۴ مارس موشن پیکچرهرالد بنظرخوانندگان ارجمند خواهد رسید.

یکی بود یکی نبود..

«اسپیروس پاناتاکیوتیس - اسکوراس» ، بیست وهشتم مارس ۱۸۹۳ درشهر«اسکوروهوریون» واقع درپونان متولد شد و درسن ۱۷سالگی درسال ۱۹۱۰ بآمریکا آمد وابتدا درشهرسن‌لوئی بلیط فروش اتوبوس بود . با پشتکارو جدیت در سال ۱۹۱۳ باتفاق دو برادر دیگرش چارلزوجورج یك چهارم سهم تماشاخانه‌ای‌راخریداری نمودند وچند سال بعد هنگامیکه سهم سایرشرکاء را نیزبرداخته بودند نام‌آنرا بیاد بود افتخارات باستانی کشورخود «المپیا» نهادند

درسال ۱۹۲۶ در«سن‌لوئی» وسایر شهرهای اطراف«برادران اسکوراس» صاحب۳۷ تماشاخانه بزرك وکوچك بودند ودیگر سه مهاجر یونانی که پول مسافرت خودراتاآمریکا بارنج‌ومحنت‌تهیه دیده بودند جزوطبقه سرمایه دار آمریکا محسوب میشدند .

سه‌سال بعد باخریدچندسهم‌از سهام کمپانی برادران وارنر «اسپیروس» وارد کادر هیئت مدیره این کمپانی گردیدوهنگامیکه «داریل‌زانوك» باتفاق‌جوزف‌شنك وسیدنی کنت (نقید) کمپانی فوکس قرن‌بیستم را تاسیس نمودند ، او آنیه‌درخشانی رابرای‌این‌استودیو پیش‌بینی نمود وبافروش سهم‌خود ازهیئت مدیره وارنر خارج شد و باین استودیو جدیدالتاسیس که در آن زمان «سیدنی کنت»مدیرعامل آن‌بود ملحق شد.

«کنت» درسال۱۹۴۲ فوت نمودودرنتیجه اسپیروس‌اسکوراس ریاست کمپانی را بدست آورد. این‌مرد شصت وچهارساله اکنون پانزده سال‌تمام است که‌این کمپانی رابا‌کمال قدرت اداره‌نموده‌و برای آن‌افتخارات‌فراوانی کسب کرده است.تلفظ انگلیسی «اسکوراس» بطوری است که شنونده بسختی میتواند بی‌بمنظوراو ببرد ولی با وجود این درهرمجمع ومحفلی که پیش‌آید نخستین کسی که داوطلب ایراد نطق میشودهمین اوست!

چندسال قبل در«والدروف» طی جشنی بمناسبت اختراع لنز سینما سکوپ نطق طویلی ایراد نمود بعد ازآنکه برصندلی خود تکیه داد رئیس تشریفات جشن در پشت بلندگوقرار گرفت‌وچنین گفت.

«اکنون اینجانب سخنان آقای اسکوراس رابرای‌شماترجمه خواهم‌نمود» وکسی که بیش‌ازهمه ازاین شوخی‌لذت بردخوداسکوراس بود .موفقیت‌اسکوراس درزندگی علت عمده اش شهامت و جدیت اوست . درسال ۱۹۵۰ هنگامیکه صنعت تلویزیون سینما را بوحشت انداخته‌وبسرعت بسراشیبی‌شکست سوق میداد همین او بودکه تصمیم گرفت بهرطریق‌شده مانع‌این‌امر گردد وبالاخره‌بعدازسه‌سال‌تجسس امتیازساختن واستفاده‌از لنزسینما سکوپ را ازمخترع آن پسرفسور هانری‌کرتین خریداری نمودودر شانزدهم‌سپتامبر۱۹۵۳ هنگامی که‌فیلم«خرقه»درسینمای«راکسی» نیویورك بعرض نمایش درآمد رقبای اووسایر مردم‌عادی‌پی‌بردند که اسکوراس «دروازه نجات» سینمارا یافته است

افسانه اسپیروس اسکوراس دراینجا ختم نمیگردد وبدون شك سالهای آینده شاهد افتخارات و پیروزیهای بزرگترومهمتری‌برای این شخصیت بزرك سینمای‌آمریکا خواهندبود.

... باو تبریك گفتند !

درمیان شخصیتهای‌مختلف و بزرگی که جشن پانزدهمین سال ریاست اسکوراس رابا‌او تبریك گفته‌اند نام «پرزیدنت آیزنهاور» رئیس جمهورآمریکا مقام اول را دارامیباشد

آیزنهاور درتبریك‌نامه خود چنین نوشته است «دوستانتان شما رایك‌فردبرجسته آمریکائی‌میدانند که‌باتمام قوابرای بزرگی‌وافتخار جمهوری اتازونی کوشش نموده‌اید

شما برای پیشرفت و تکامل یکی ازصنایع وهنر های برجسته این‌کشور خدمات ذیقیمتی انجام داده‌اید.»سایرشخصیتهای‌معروف‌و سرشناس که پیامهای‌تبریك ارسال ارسال داشته‌اند عبارتنداز

سرویستون چرچیل (نخست وزیرسابق‌انگلستان) ، لوئیس‌س لورنت(نخست وزیر کانادا)رابرت منزیس (نخست وزیراسترالیا)، آورل هریمن (شهردارنیویورك).

علاوه براین‌کلیه کمپانیهای فیلمبرداری (بجز پارامونت) در صفحات جداگانه مجله « موشن پیکچرهرالد» این‌جشن‌را بشخص اسکوراس‌وکمپانی فوکس تبریك گفته‌اند کمپانی پارامونت بعلت رقابتی که باکمپانی فوکس بر سر طریقه سینما سکوپ و ویستاویژن دارد‌ازارسال تبریك‌نموده‌داری‌نمود

اسپیروس اسکوراس

رپرتاژ مربوط بکمپانی فوکس در صفحات ۱۸-۱۹-۲۰-۲۱ چاپ شده است

آثار برجسته گذشته

صحنه‌ای از فیلم ویلسون

آواز برنادوت

کمپانی فوکس فیلمهای زیر را بهترین آثار دوره ریاست اسپیروس اسکوراس تشخیص داده است

۱۹۴۳ - «آواز برنادت» باشتراك جنیفر جونز و چارلز بیکفورد

۱۹۴۴ - «ویلسون» باشتراك الکساندر ناکس و «کلیدهای سلطنتی» باشتراك گریگوری پك

۱۹۴۵ - «درختی در بروکلین میروید» باشتراك درونی مك - گوایر، لویدنولان

۱۹۴۶ - «آنا و سلطان سیام» باشتراك رکس هاریسون و «لبه تیغ» باشتراك تایرون پاور، جین تیرنی و آن باکستر و «او را بخدا واگذار» باشتراك جین تیرنی، کرنل وایلدو جین کرین

۱۹۴۷ - «قرارداد شرافت» مندانه» باشتراك گریگوری پك جان گارفیلد و درونی مك گوایر

۱۹۴۸ - «گودال مار» باشتراك الیویا دوهاویلند، لئوگر و مارك استیونس

۱۹۴۹ - «پینکی» باشتراك جین کرین، ویلیام پ‌لاندیگان و اتل بارپیمور

۱۹۵۰ - «همه درباره‌ایو» باشتراك بت‌دیویس، آن باکستر و جورج ساندرس

۱۹۵۳ - «خرقه» نخستین فیلم سینما سکوپ جهان باشتراك ریچارد برتن، جین سیمونز

۱۹۵۵ - «چرخ و فلك» نخستین فیلم (سینما سکوپ ۵۵) باشتراك گردون مك‌دی

۱۹۵۶ - «من و شهریار» باشتراك دبورا کار و یول براینر

رؤیای کلمانجارو

آثار برجسته آینده

فیلمهائی که تهیه آنها بپایان رسیده و یا درحال تهیه و یا در آینده تهیه آنها شروع خواهد شد در تقسیمات مختلف زیر بنظر شما میرسند.

«فیلمهائی که از کتاب‌ها و یا داستانهای کوتاه اقتباس شده‌اند»

پسری روی خوک دریائی - الن لد کلیتون وب و سوفیالورن - تهیه کننده ساموئل انگل، کارگردان ژان نگولسکو.

خدا میداند، آقای آلیسون - دیوید اکار و رابرت میچم - تهیه کننده بادی آدلر، کارگردان جان هوستن.

جزیره‌ای در خورشید - جیمز میسون، جون فونتین، هری بلافونته، جون کالینز، درونی داندریج - تهیه کننده دارپل زانوک، کارگردان رابرت راسن.

لیه رودخانه

سی وایف «زن دریا» جون - کالینز - ریچارد برتن - تهیه کننده آندره حکیم، کارگردان رابرت نافتون.

راه طلا - بساری سالیوان، شری نورث، جفری هانتر و والتر - برنان - تهیه کننده دیوید و یزباورت کارگردان رابرت وب.

خورشید همچنان میدرخشد - اواگاردنر، تایرون پاور، مل فرر، ارول فلین و ادی آلبرت - تهیه کننده دارپل زانوک، کارگردان هنری - کینگ.

اتوبوس سرگردان - جین - مانسفیلد، دان دیلی و جون کالینز تهیه کننده چارلز براکت، کارگردان ویکتور ویکاس

وداع با اسلحه - جنیفر جونز،

بقیه در صفحه ۲۶

پسری روی خوک دریائی

خدا میداند، آقای آلیسون

جزیره‌ای در خورشید

هنرپیشگان کمپانی فوکس قرن بیستم

مارلون براندو — ارنست بورگناین — اینگرید برگمن — آنتونی کوئین — جین پیترز — گریگوری پک

رابرت میچام — کامرون میچل — ری میلاند — جیمز میسون — جین مانسفیلد — مریلین مونرو

سوفیا لورن — جینا لولو بریجیدا — دبورا کار — اوا گاردنر — جنیفر جونز — کلارک گیبل

جون کالینز — ریچارد برتن — پول براینر — جین سیمونز — جان وین — اسپنسر تریسی

ویتوریو دسیکا

فرد زینمان — داریل زانوک — جان استورجز — رابرت وب — راکول والش — جری واله

هنری لوین — والترلانگ — هنری کینگ — الیا کازان — نانالی جانسن — جان هوستون

جورج استیونس — دیوید سلزنیک — رابرت رامن — مارک رابسون — ساموئل فولر — نیکاس دی

دیک پاول — ژان نگولسکو — لئومک کاری — جیمز میسون — آناتول لیتواک — اولی لانون

ساموئل انگل — فیلیپ دون — ادوارد دمیتریک — فرانک تاشلین — چارلز براکت — ماری آدلر

در شهرستانها چه میگذرد؟

وضع فیلم در شهرستانها

آخرین اخبار رشت

از روزیکه فعالیت سینما سیروس بعلت حریق متوقف شد تقریباً سینما در رشت یکی از این رفته و اگر سینما ایران فیلمهای متنوع سینما رکس را پشت سر هم نمایش ندهد باید یکی فاتحه سینما را در رشت خواند سینما مایاک از وقتی که میدان را خالی دیده طبق معمول دست به گنجینه آثار جاودانی برده و در مدت دو ماه گذشته نمایش فیلمهای مرجان و یوسف زلیخا ۱۷ روز باعدام را زینت سالن کیسه‌ای و وصله‌دار خود نموده و حالا هم چند فیلم هندی که بهترین آنها ساقی است برای نمایش انتخاب کرده و از همه جالب‌تر چند صفحه کجه‌دجه راضیه برنامه های خود کرده بطوری که مشتریان همیشگی این سینما نیز از رویه مزبور ناراضی هستند معلوم نیست این سینما تا کی میخواهد با فیلم سینماهای درجه ۳ پایتخت موجب شکایت تماشاچیان شود البته منظور این نیست که فیلم فارسی نمایش ندهد اما در پاسخ در هیچ شهرستانی سابقه ندارد که ٤ فیلم فارسی در یک سینما پشت سر هم نمایش داده شود و چرا سینما مایاک در بین نمایش فیلمهای فارسی از دو تا سه تا فیلم سینما کریستال مثل سابق استفاده نمیکند در هر صورت اگر تا یکماه دیگر که سینمای سیروس و سینمای جدید (فعلا مشغول آماده کردن سینما هستند) افتتاح خواهند شد اینوضع ادامه پیدا کند مسلما در چنین موقعیتی بهترین فیلم نیز در سینما مایاک با شکست مواجه خواهد شد چندماهی است که شخصی در رشت و ۱ بندر پهلوی سابقه کی تعدادی از فیلمهای فارسی و چند فیلم بی سر و ته هندی را بهمه دارد والبته بیشتر سینما مایاک از فیلم های توسری خورده این آقا استفاده میکند و ما نفهمیدیم چرا ایشان از اینهمه فیلم دوبله فارسی و بازاری و تماشائی مزخرف‌ترین آنها را انتخاب میکند و در اینجا هم اگر مدیر سینما مایاک مثل سینما ایران از فیلمهای این آقا استقبال نکند زودتر شرش از سرما رفع خواهد شد ناگفته نماند که یکی دو هفته است که سینما ایران پرده سینما ـ سکوپ نصب کرده و در حدود ۱۰ فیلم سینماسکوپ که در میان آنها شرق بهشت و هلن تروی و فیلم ویستاویژن چادرسیاه و فیلمهای سوپر سکوپ پسر سندباد و در زیر دریا قابل ذکرند را برای برنامه آینده خود انتخاب کرده است و از قرار معلوم بزودی نمایش داده خواهند شد یکی دیگر از محسنات این سینما اینست که نمایش فیلمها را بی جهت طول نمیدهد و با وجودی که فعلا فقط دو سینما در رشت وجود دارد که مشغول کارند هفته‌ای دو فیلم نمایش میدهد

فرید حسین پور

ستاره سینما بطوریکه شنیده شده سینمای جدید التاسیس رشت که سعدی نامیده خواهد شد اقدام بخرید آخرین محصولات کمپانیهای معظم یونایتد آرتیستس و کلمبیا نموده و افتتاح سینما نیز با فیلم سینماسکوپ (بندباز) خواهد بود

امیدواریم با افتتاح سینما سعدی اوضاع سینما در رشت بهبودی یابد

سینما بلوار «بندر پهلوی»

فیلم فرانسوی «سه تفنگدار» از تاریخ ۷ الی دهم اردیبهشت بمرض نمایش گذارده شد و فروش آن متوسط بود

سینما ایران (بندر پهلوی)

فیلم هندی «راننده تاکسی» نمایش داده شد از تاریخ ۹ الی ۱۱ اردیبهشت و مورد استقبال اهالی واقع گردید

سینما بولوار (بندر پهلوی)

فیلم «یوسف و زلیخا» را از تاریخ ۱۰ الی ۲۲ اردیبهشت نمایش گذاشتند و «ایضا» بدبختانه» فروش آن خیلی خوب بود

محمد جعفر هند خانه‌ای

سینما ایران (رضائیه)

۲ـ «زن کبرا» امریکائی از تاریخ ۱۸ اردیبهشت الی بیستم اردیبهشت نمایش داده شد کار کرد فیلم بد نبود ولی استقبال نشد

سینما شیر و خورشید سرخ (رضائیه)

۱ـ از تاریخ ۱٦ اردیبهشت فیلم ترکی (چوپان کامروا) را الی ۱۷ ر ۲ ر ۳٦ نمایش داد که اصلا کار کرد خوبی نداشت و باعدم استقبال مواجه شد

۲ـ از تاریخ ۱۷ اردیبهشت فیلم ایتالیائی (کاپیتان جورجو) الی ۱۸ اردیبهشت نمایش داده شد و کار کرد و استقبال اهالی بد نبود!

۳ـ از تاریخ ۱۹ الی ۲۰ اردیبهشت فیلم تکه تکه شهر خوشبختان نمایش داده شد که استقبال نشد و کار کردش چنان خوب نبود

عطاءالله آذر تیموری

سینما ایران (رشت)

فیلم جدال در جنگل از روز ۱۹ تا ۲۲ اردیبهشت روی پرده بود و استقبال و کار کرد این فیلم متوسط بوده است

سینما مایاک «رشت»

فیلم ایرانی ۱۷ روز باعدام از روز پنجم تا بیست و دوم اردیبهشت باعث اتلاف وقت اهالی شد و کار کرد آن سینما مایاک را راضی کرد

فرید حسین پور

سینما متروپل (آمل)

فیلم (واکسی) از روز ۱۲ اردیبهشت تا ۱۹ نمایش داده شد و مورد استقبال مردم قرار گرفت و کار کرد آن خوب بود

یحیی امیر صالحی

سینما میهن (خرمشهر)

فیلم هندی عنبر مدت ٦ روز نمایش داده شد و استقبال مردم خیلی خوب بود

فیلم امریکائی شیبن مدت ٤ روز نمایش داده شد و استقبال از آن خیلی خوب بود

سینما اتحاد (خرمشهر)

فیلم انگلیسی و ایتالیائی رومئو و ژولیت مدت ۳ روز نمایش داده شد و مورد استقبال اهالی قرار گرفت

فیلم عربی یک زن و دو شوهر (تکراری) مدت ۳ روز نمایش داده شد و استقبال از او متوسط بود.

مجید پرهیز

قابل توجه مسافرین محترم

گیتی نورد شیراز و اصفهان
گیلانتور رشت و بندر پهلوی
اتو اقتصاد کرمانشاه
اتو شهبر مشهد و بابل
عباد کرمان

پاسخگو

آقای احمد تجلی

۱ ـ برت لنکستر در سال ۱۹۴۶ با فیلم (عاقبت جنایتکاران) وارد عالم سینما شد وی تا کنون اسکاری نگرفته و تاریخ تولدش ۱۹۱۳ میباشد

۲ ـ فیلمهای اهل کنتاکی (سینما مولن روژ) خال گل (سینما دیانا) شای کوچك باز گرد (سینماهای) بزودی از وی بمعرض نمایش گذاشته خواهند شد

۳ ـ انشاالله

آقای ابراهیم خواجه بلگی آغاجاری

تحصیل نمائید تاموفق شوید

آقای ع محمدپور

۱ ـ آدرس مجله معلوم است کافیست روی پاکت عنوان (تهران مجله ستاره سینما) را بنویسید

۲ ـ رابرت تیلور از عالم سینما کناره گیری ننموده بلکه شهرت گذشته را ازدست داده است فیلمهای وی نیز توسط سینمای ایران خریداری شده و بزودی روی پرده خواهند آمد

۳ ـ درصورتیکه تقاضاها در اینمورد زیاد باشد البته چاپ خواهیم نمود

یکی از خوانندگان مجله

انتقادات شما بسیار بجا بود وعین نامه شما را برای مدیر سینمای مزبور ارسال نمودیم

آقای هوشنك اورکی

باستودهای فارسی ویاهنرستان هنرپیشگی مراجعه نمائید شاید موفق شوید

آقای اعتمادی (هفت کل)

۱ ـ البته میسر است ولی انتظار جواب صد در صد نداشته باشید

۲ ـ آدرس (کیم نواك) استودیوی کلمبیا است

۳ ـ پرسیده اید (آیا کیم نواك دوشیزه است یا بانو؟) ظاهرا دوشیزه است ؟!

آقای امیر صالحی (آمل)

۱ ـ چاپ عکس (ژاله) روی جلد فعلا برایمان مقدور نیست زیرا این هنرپیشه در حال حاضر فعالیتی در سینما ندارد

۲ ـ اکثر خوانندگان مجله مخالف با چاپ عکس (صباح) ستاره مصری میباشند در نتیجه تغییری نداریم!!

آقای مهدی جوانی

چنانچه ملاحظه میفرمائید این شماره روی جلد را اختصاص به ستاره گان ایرانی داده ایم آیا راضی هستید

آقای جمشید رسولی (اهواز)

۱ ـ ازسال دارید موافقت حاصل است ! ضمنا شماره ها و آدرس دقیق خود را بفرمائید

۲ ـ مقدور نیست !

آقای «دوربین!»

۱ ـ والله چه عرض کنم

۲ ـ تمثال (سوفیالورن) را بارها روی جلد چاپ نموده ایم ولی بطوریکه نوشته اید هنوز از خماری وافر بیرون کشیده نشده اید !

۳ ـ در شهرهای تبریز و مشهد و آبادان سینماهای معتبری وجود دارند

رولوپ

در بین کلیه دوربین های جهان

مدل رفلکس

مقام دوم جهانی را

بدست آورد

نماینده انحصاری در ایران تجار تخانه عطاءالله مودت بازار سرای اسکندری

تلفن ۲۴۷۷۶

ازفروشندگان محصولات رولوپ وفرانکا خریداری فرمائید

ترجمه: جهانگیر افشاری

آناستازیا

Anastasia

اینگرید برگمن «آناستازیا»، پول برایتر «بونین»، آکیم تامیروف «شرف» ـ محصول سال ۱۹۵۶، فوکس قرن بیستم، سینماسکوپ. کارگردان «آناتول لیتواک» تهیه کننده «بادی آدلر»

اینگرید برگمن بخاطر ایفای رل اول این فیلم در سال ۱۹۵۶، موفق باخذ جایزه اسکار گردید.

- آنها اسم مرا بشما گفته اند. چطوره؟

دستم را عقب می برم. تبسم قبلی حالا دیگر بکلی محو شده.

- چرا نمیفرمائید بنشینید؟

- متشکرم. فکر نمی کنم زیاد اینجا نزد شما باشم.

از وجنات ایوان هویداست که قبلا فکرهایش را کرده و تصمیمش را گرفته.

در حالیکه از شدت عصبانیت داغ شده‌ام می گویم:

- پیشکار پدر من آدم ملایم و معتدلی بود که پیش پیش تصمیم نمی گرفت و ...

کلامم را قطع میکند:

- خانم. عذر می خواهم. عفو بفرمائید. من مبتلا بنقرس هستم و خیلی میل دارم برگردم و در وان آب گرم اندکی از درد پایم بکاهم و انگهی باید بعرضتان برسانم که خیلی از جزئیات هست که شما باید از نو در خاطرتان زنده شان کنید و اما ارتباط من با فرزندان اعلیحضرت کاملا رسمی و خالی از هر گونه جنبه‌های غیر رسمی بوده، لذا قضاوت‌هائی که در امور میکردم جز نظراتی بیش نمی توانستند باشند!

در این موقع مرد مسن لبخندی می زند و ادامه میدهد:

- خانم! اگر بگویم شما از نظر حرکات و رفتارتان هنرپیشه ماهری هستید! نه گزاف گوئی کرده‌ام و نه از روی طعنه کلامی بر زبان آورده‌ام.

بونین چشمکی میزند:

- کاملا خوب تربیت شده. جداً قابل تحسین است.

قلبم بشدت میزند. مردک حرکات غیرطبیعی نموده و می‌گوید:

- پاهایم بشدت درد میکند و آزارم میدهد.

- آقا اگر پایتان آزارتان میدهد، مرا زندگی آزار میدهد و باوجود این هنوز در قید حیات هستم. ممکن است این حرف را که از تهدا می زنم باور نکنید. علتش معلوم است. نمیخواهید باور کنید. شاید گفته های من متقاعد کننده نباشد. علت این نیز کاملا واضح و آن علت این است که واهمه دارید مبادا حقایق دستگیرم شود.

- خانم آرام باشید و بی‌جهت خودتان را عصبانی نکنید. اگر می بینید که حرفهای شما و رفتار شما مرا قانع نمی کند. بحتمل دلیلش اینست که طرز سلوك و معاشرتتان شاهانه نیست و من هیچگونه نشانه‌ای از این قبیل در شما مشاهده نمی کنم.

دیگر بیش از این مزاحم نمیشوم. خداحافظ.

برمی گردد و دور میشود. بونین خیس عرق شده و نفس نفس می زند. شرنو دنبال سیگار میگردد. آنرا پیدا میکند و بلب میگذارد و با دست های لرزان روشنش می کند. خودم نیز از شدت غضب و عصبانیت به شدت میلرزم. مرد مسن هنوز بدر خروجی نرسیده. شرنو بپهلوی دستم ایستاده. شاید او تنها از خشم و خروش درونم مطلع است. دیگر قدرت کنترل اعصاب از دستم خارج شده. رو بشرنو میکنم و در حالیکه تقریبا از جائی که نشسته‌ام میجهم میگویم:

- چگونه جرأت میکنید در حضور من و بدون کسب اجازه سیگار روشن کنید و بکشید!

صدای من هر دو یعنی شرنو و مرد مسن را سر جایشان خشك می کند.

پیرمرد بر می گردد و به صورتم خیره میشود. منهم باو چشم می دوزم. هیچ اهمیت نمیدهم که درباره من چه می اندیشد زیرا این برایم مسلم است که او احمق بزرگی بیش نیست!

پیرمرد ناگهان با دو دست چشمانش را می پوشاند و نفس زنان می پرسد:

- راستی شما کیستید؟

☆☆☆

بدین ترتیب موفقیتی بدست آورده‌ام؛ موفقیتی ناچیز و بی اهمیت که ابداً اقناعم نمی کند. خجالت میکشم. از خودم خجالت میکشم. از این درام مضحك خجالت میکشم. خجالت میکشم که چرا همچون دلقکهای سیرك شده‌ام. راستی منکه عروسك خیمه شب بازی نیستم. من؟.. خدا می داند کیستم. اما خدا که شهادت نامه و این قبیل مزخرفات را امضا نمیکند و در محضر دادگاه حاضر نمیشود...

بونین راضی بنظر نمیرسد چه می گوید:

- گوش کن! اشخاصیکه امروز دیدی چندان مهم نبودند یکی دیگر هست که باید...

مقصودش را می‌فهمم. آن یك نفر کسی دیگر جز گردانندوشس بیوه که همان مادربزرگ باشد نیست

- ولی بونین! او هرگز مرا نخواهد دید.

- چرا او شما را خواهد دید چون هم اکنون میخواهد نزد او ببرمتان. برای شخص خودتان خوب است.

(ناتمام)

بونین میخواهد آناستازیا را به کینهاك ببرد تا شاید امپراطوریس بیوه او را بشناسد

در سینما ایران

یك فیلم شگفت انگیز و یك اثر بی نظیر کمپانی مترو گلدوین مایر

گنج مون فلیت

Screen Play by JAN LUSTIG and MARGARET FITTS · Based On the Novel by J. MEADE FALKNER · Photographed in EASTMAN COLOR · Directed by FRITZ LANG · Produced by JOHN HOUSEMAN

باشتراك : استوارت گرینجر محبوبترین هنرپیشه آمریکا و یویکا لیندفورس ستاره زیبای سوئدی

جون گرینوود ستاره زیبای انگلیسی، جورج ساندرس هنرپیشه هنرمند

(گنج مون فیلیت) بکارگردانی (فریتز لانگ) بزرگترین کارگردان فیلمهای اسرار آمیز و مخوف تهیه شده است

آثار برجسته آینده

راك‌هودسن ، ویتوریودسیکا ـ تهیه کننده دیویدسلزنیك ، کارگردان جان‌هوستن

صداوخشم ـ گریگوری‌پك ـ تهیه کننده جری‌والد

شکارچیان ـ جان‌وین ـ تهیه کننده و کارگردان دیك‌پاول

لبه رودخانه ـ ری میلاند ، دیراباکت ، آنتونی کوئین ـ تهیه کننده بندیك‌بوگتوز ، کارگردان لن‌دوان .

«فیلمهائی که از نمایشنامه‌ها اقتباس شده‌اند»

آناستازیا ـ اینگریدبرگمن ، یول‌براینر وهلن‌هایس ـ تهیه کننده بادی آدلر ، کارگردان ، آناتول لیتواك .

آمزنان ، آمه‌ردان ـ دان دیلی ، جینجرراجرس ، دیویدنیون ، باربارااراش ـ تهیه کننده و کارگردان نانالی‌جانسن .

میزثابت ـ اسپنسر تریسی ، کاترین هیپبورن ، جون‌بلوندل ـ تهیه کننده هنری‌افرون ، کارگردان والترلانك .

برناردین ـ پات‌بون ، تری‌مور ژانت‌گینور ودین‌جاگر ـ تهیه کننده ساموال‌انگل ، کارگردان هنری‌لوین .

کلاهی پرازباران ـ اوامری سنت ، دان‌موره ، آنتونی‌فرانسوازا تهیه کننده بادی‌آدلر ، کارگردان فردزینمان

آیا موفقیت راك‌هاترداتباه خواهد کرد ـ جین مانسفیلد ، کلیفتون‌وب ، تلماریتر ، تهیه کننده و کارگردان فرانك‌تاشلین .

آنهاراجای‌من بیوس ـ گاری گرانت ، جین‌مانسفیلد ، تهیه کننده جری‌والد .

جنوب اقیانوس آرام ـ میتزی گینور ، روسانوبراتسی ، کارگردان جوشوآلوگان .

«فیلمهائی که ازبیوگرافیهاو داستانهای‌حقیقی اقتباس‌شده‌اند»

سه‌مرد شجاع ـ ری‌میلاند ، ارنست بورگناین‌وفرانك‌لاوجوی کارگردان فیلیپ‌دون .

سرگذشت حقیقی جسی‌جیمز ـ رابرت‌واگنر ، جفری‌هاتر ، کارگردان نیکولاس‌ری سه‌چهره مختلف حوا ـ جون وودوارد ، دیویدوین و لی‌جی کوب ـ تهیه کننده و کارگردان نانالی‌جانسن .

کلئوپاترا ـ جیمزمیسون ، تهیه کننده جیمزمیسون .

من باژوزف استالین‌ازدواج کردم ـ تهیه کننده داریل‌زانوك .

دروازه چین ـ نات «کینك» کول ، جین‌باری ـ تهیه کننده و کارگردان ساموال‌فولر .

یك ماجرای‌فراموش‌نشدنی ـ گاری گرانت ، دبوراکار ـ تهیه کننده جری‌والد ، کارگردان‌لئو ـ مك کاری .

در گذشت اشتروهایم

فیلم چهارمیلیون دلار سودخالص داشت ، اشتروهایم تاآخرین روز زندگیش ، ازشنیدن نام این فیلم تغییرحال میداد . وی‌هنرمندبود ، و کسب پول کار اصلی یك هنرمند نیست .

ازآثار دیگر اشتروهایم در اینجا « مادش عروسی ـ ۱۹۲۷ » و «ملکه کلی ـ ۱۹۲۸ » را ذکر میکنیم .

اشتروهایم نه‌تنها کارگردان بلکه یك‌بازیگر بزرك نیز بشمار میرفت تاریخ‌سینما پرفرمانس‌وی رادرفیلم «اولتیماتوم» اثر رابرت وین همواره بیاد دارد ، و نیز تماشاچیان ایرانی میتوانند نقشی راکه‌وی با تسلط و قدرت هرچه تمامتردر «غروب‌یك‌ستاره » اثر بیلی وایلدر ایفاء کرد بخاطر آورند .

مرك اریك فون اشتروهایم پیشکشنایه خیلی مهمی‌برای عالم سینماست‌اودرردیف آنچنان‌مردانی بودکه شراره نبوغ دروجودخود میافتندگذشت شصت‌سال از تاریخ سینما تعداد این‌چنین‌مردان راهنوز چندان‌کثیر نساخته است .

از: هژیر داریوش

اصول کارگردانی

فیلمهای‌خبری معمولاازصحنه های طولانی و(سکانسهای)محدود که‌درهنگام تهیه کوچکترین کارگردانی درروی آنها نشدهٔ تالیف و نشر میشوند

فاقد بودن تکنیك بصری در هنگام تهیه آنها باعث شده که‌حتی بعدازآنکه نشر وماننده یك فیلم کامل شدند منکی بر(نقل)باشندتا معنی دهند . فیلمهای‌خبری بدون شرح حکایت یامفهوم نمیشوندویا معنی کمی رابرای بیننده میرسانند . ولی برعکس فیلمهای(ادامه‌ای)با دقت طرح شده وازاینجا اهمیت تکنیکهای بصری که بیننده رابهتر از صحبت مطلع میکند معلوم میگردد . حتی اگر صدا هم قطع شود بازیك فیلم (ادامه‌ای) خوب اغلب قسمتی ازمطلع‌نمودن بیننده رابعهده دارد

SHOT(صحنه) وSEQUENCE (سکانس)

لغت Shot (شات) به تکه واحدی ازفیلم که درآن‌نه CUT (بریدن) ونه‌محو (تغییر مکان و زمان) وجود داشته باشد اتلاق میگردد .

درمثالهای قبلی درباره‌حرکت موضوع ـ صحنه با(منظره‌عمومی) شروع وبه(نیم‌تنه)مردختم شد .

مجموع چندصحنه (Shot)را (سکانس) نامند که درآن قطع زمان وجود ندارد . برای‌مثال پس‌از یك(محو) پسرودختری را مشاهده می کنیم که وارد رستورانی‌میشوند وبفروشنده‌که درپشت میز قرار دارد دستوردو فنجان شیر کاکائو میدهندو بعده‌مشغول صحبت‌میگردند . پس ازحاضرشدن شیر کاکائووصرف آن دخترمیزرا ترك کرده وداخل اطاقك تلفن میشود تا بمادرش تلفن نماید . همانطوریکه مکالمه ادامه دارد مامتناوبا مادودا در کنارتلفن درمنزل ودختردادرداخل اطاقك تلفن دررستوران‌مشاهده می کنیم . وقتی مکالمه تمام میشود دختراز‌اطاقك خارج شده وپس از پرداخت وجه رستوران را ترك میکنند وبعد ازیك محودیگرصحنه بعدی ازیك جاده مخروبه آغاز میگردد .

مجموع اعمال مداوم در رستوران‌ودرمنزل مادردیك(سکانس) راتشکیل میدهند . (سکانس) پایه فیلمهای (ادامه‌ای) بوده وممکن است ازصحنه‌های زیادی یابعضی مواقع ازیك‌صحنه تشکیل گردد . صحیح بودن ربط‌تمام فیلم وصحیح بودن ربط‌صحنه‌ها برای یك فیلم نوع (ادامه‌ای) بسیارلازم‌است

نوعی ازفیلمهای (ادامه‌ای) که کارگردانان بیشتر علاقمند بآن هستند از شش (سکانس) یا بیشتر تشکیل میگردد .

هر (سکانس) معمولا بوسیله (اپتیکالها) ازبقیه‌فیلم‌جدامیگردد وداخل هر (سکانس) صحنه های مختلف بوسیله(CUT)به‌یکدیگر وصل میشوند . و انتقالات داخل هرصحنه بوسیله حرکات فراهم میگردد .

اجرای صحیح‌حرکات‌وموتاژ مهمترین قسمت تهیه فیلم است و اجرای صحیح (کات) سبب میشود که بیننده هر(سکانس) راماننده یك قسمت مداوم‌فیلم تصورکند ودلیل (کات) خوب اینستکه‌وقت‌بیننده‌را جذب کند وحرکات صحیح بفیلم‌یك لطف وزیبائی وعمق‌ونظم‌میدهد

ژاندارك

برای تهیه عکسهای زیبای هنرپیشگان محبوب خودوهمچنین برای خرید شماره های گذشته مجله ستاره سینما مستقیما به مغازه ژاندارك خیابان‌منوچهری مراجعه‌فرمائید علاقمندان مقیم‌شهرستان‌ها میتوانند توسط‌پست‌تقاضای‌خودرا ارسال دارند ومطمئن باشند که در اولین فرصت درخواست های‌مشتریان محترم‌انجام‌خواهد شد .

مغازه‌لوازم‌التحریر فروشی‌ژاندارك‌عالی‌ترین وزیباترین‌عکس های‌هنرپیشگان‌مشهوردنیارا دراختیاردارد .

بایکبارمراجعه‌مشتری دائمی‌ماخواهیدشد .

امشب

در سینما کریستال

امشب

یك ماجرای حیرت انگیز و مخوف از حوادث جنك بین المللی دوم

تصمیم قبل از سپیده دم

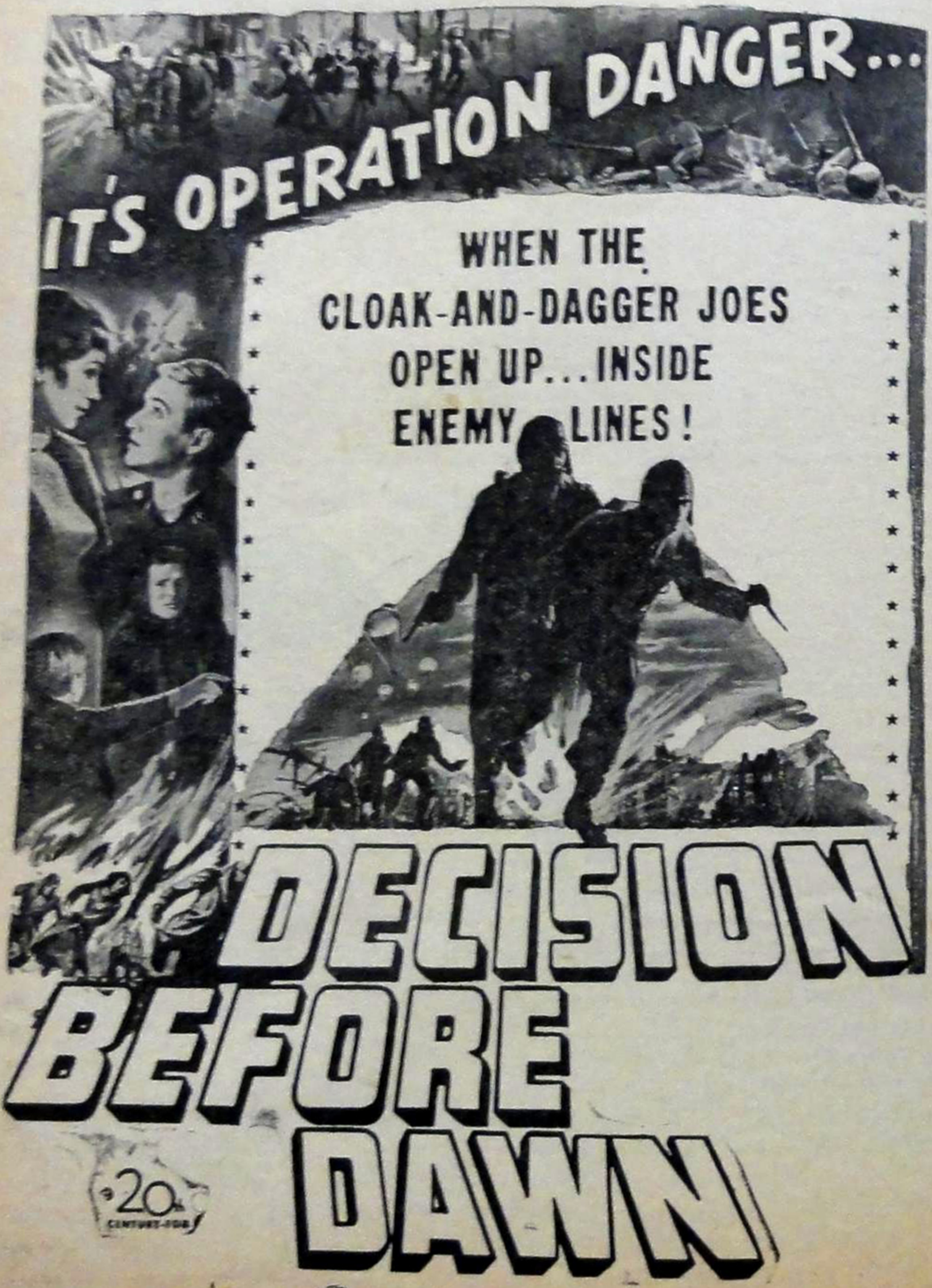

باشتراك ریچارد بیسهارت - گاری مریل

اثر کارگردان بزرك: آناتول لیتوآك

مسابقات شما در سینما

تنظیم کننده: هوشنگ بهارلو

برندگان مسابقه (رمز سرقت) شماره ۱۰۸

نام برندگان مقیم تهران در شماره‌های گذشته اعلام و جوائز آنها بخش گردید و در اینشماره برندگان مقیم شهرستانها معرفی میشوند وهمانطوریکه اعلام شده بود جایزه آنها ۳ماه آبونمان مجله میباشد بدینجهت از عموم برندگان درخواست میشود آدرس صحیح خودرا ارسال‌دارند

اینك برندگان مسابقه

۱ـ آقای احمدمرندی (تبریز)

۲ـ دوشیزه مهین شاهرودی (کرگان)

۳ـ احمد جلالی (اصفهان)

۴ـ جمشید قرمداغی (تبریز)

۵ـ حسین باقری (اندیمشك)

۶ـ جوادتربتی (مشهد)

پاسخ «معلومات سینمائی خود را بیازمائید» شماره قبل

۱ـ «نینافوش» در فیلم «اسکاراموش» رل‌ملکه «آنتوانت» رابعهده داشت.

۲ـ «پرنس دزد» پسر علی بابا» نام دوفیلمی است از «تونی کرتیس» و «بابپرلوری»

۳ـ «ویوکالیندفورس» را دراین ۵ فیلم‌دیده‌ایم: «سینگوالا» «تبیین سرنوشت با ما نیست» «شرارهحسد» «دون‌ژوان» و «دریك‌شب ظلماتی»

۴ـ فیلم «مولن‌روژ» محصول کارخانه «رومولوس» می باشد

۶ـ «استرویلیامز» «جودی گارلند» «لسلی کارون» «دبی رینولدز» و «سیدشاریس» بترتیب هرکدام رل مقابل «جن کلی» را دراین فیلمها بعهده داشتند قهرمان‌توپ‌بازی ـ نمایشات‌تابستانی یك‌امریکائی درپاریس ـ آواز درباران ـ بریگادون

۶ـ کارگردان فیلم «حیف که خیلی‌حقه‌ای» الساندروبلازتی می باشد.

جدول «آرتورانك»

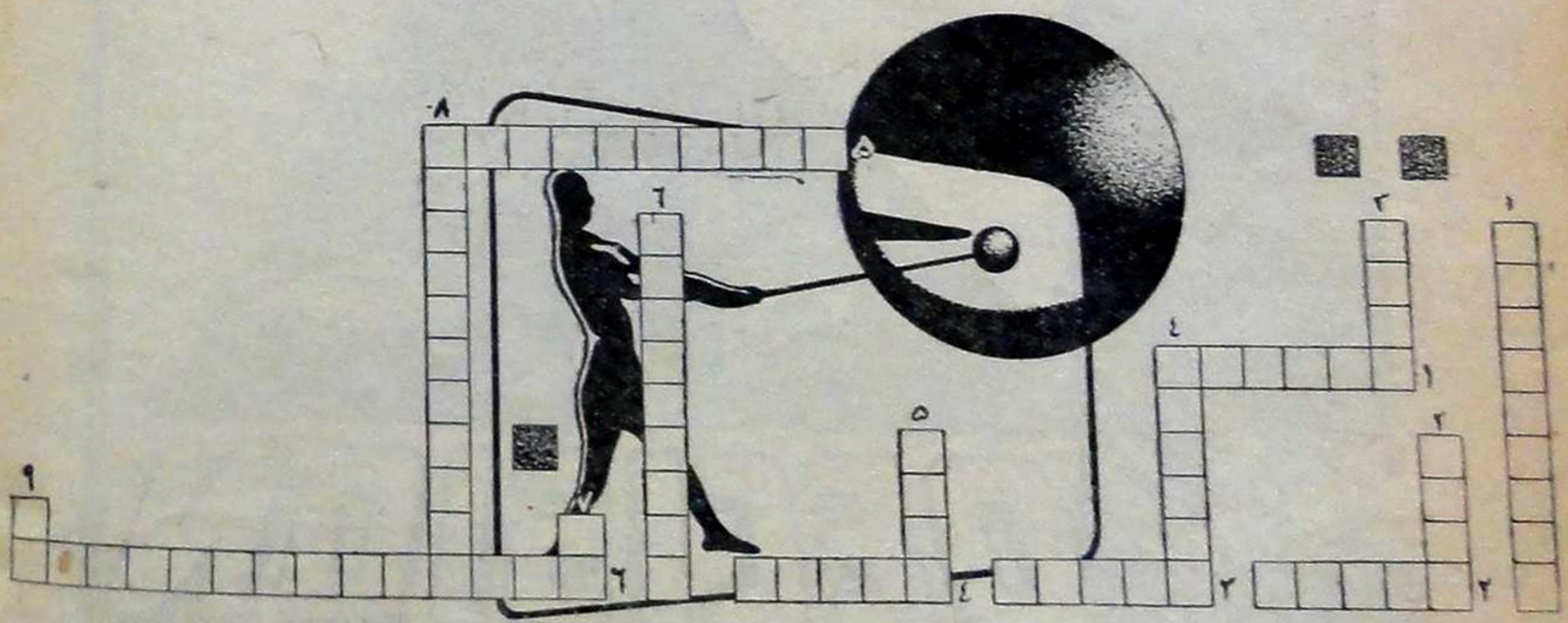

افقی: ۱ـ کارخانه‌ایکه آثار بی‌نظیر وجاودانی مانند «از اینجا تاابدیت» و «درباراندازه» را ساخته‌است

۲ـ «دان آدامز» ستاره این‌فیلم دوبله‌ورنگی بود

۳ـ استاد رقص‌وکاشف «لسلی کارون»

۴ـ یك فیلمی درتهران نمایش‌دادندکه «جینالولو بریجیدا» و «آمده‌ئوناتساری» ازهنرپیشگان‌فیلم بودند.

۵ـ نام ستاره مکزیکی فیلم «راندهشد»

۶ـ این‌اولین فیلم «سوپرسکوپ» است که‌درتهران‌نمایش‌داده‌اند

شودی ـ نام هنرپیشه‌ای که او را درفیلم «دخترماتاهاری» «دل‌را بیراناك» دیدیم:

۲ «جان‌وین»، «مورین‌اوهارا» و «ویکتورمك‌لاگلن» رادر فیلمی بنام «مرد...» دیدیم.

۳ـ نام یکی ازفیلمهائی که‌سال قبل‌از «ویکتورماتیور» دیدیم

۴ـ ازفیلم‌های درام کارخانه «آرتورانك» که نام دیگرش «سرودکریسمس» می باشد.

۵ـ «امیل‌زولا» کتابی نوشت‌ودرفرانسه فیلمی ازروی آن با شرکت‌مارتین کارول تهیه‌شد

۶ـ نام‌فیلمی که «جون کرافورد» درآن‌هفت‌تیر کشی میکرد؟!

۷ـ من‌وشما برای‌خریدن بلیط‌سینما بایدبه بندیم!

۸ـ کارگردان بزرك فیلمهای هالیوود

۹ـ «الن...» هنرپیشه بزن بهادر، فیلمهای کاوبوی‌ووسترن‌هالیوود

بررسی فیلمهای هفته

«جوانان وعروسکها»

تهیه کننده ـ سامول گلدوین
سناریست وکارگردان ـ جوزف ل . مانکیویچ
نویسنده ـ دامون رانیون
فیلمبردار ـ هری استرادلینگ
مونتاژ ـ دانیل ماندل
گروگراف ـ مایکل کید

بازیکنان

اسکای ماسترسون ... مارلون براندو
جین سیمونز ... مارا براون
فرانک سیناترا ... نانان دیترویت
ویوین بلین ... میس آدلید

« اثر » بخودی خود بوجود نمیآید و از بادوباران تاشانس و زمان هم شده باشد بالاخره عاملی برای وجودآن موجوداست. عامل بوجودآورنده یك اثرهنری هنرمند است.

یك تابلوی نقاشی، یك مجسمه یك قطعه ملودی ، یك کتاب ادبی و... هریك از اینها را هنرمندی بوجود میآورد ومنقدین در انتقاد های خود همیشه باخالق این آثار طرف میشوندوازروی قدرت وضعف «اثر » هنرمند بزرك وکوچك را مشخص مینمایند.

اگر درتصویر « ژوکوند » قدرت خلاقه‌ای بکاررفته « لئوناردووینچی» است که شهرت وافتخار نصیبش میگردد وهرگاه بینندگان مجسمه حضرت موسی هرآن انتظار دارند این مجسمه براه افتد و سخن گوید « میکل ـ آنژ »است که باید موردتقدیر واقع گردد و اگر سمفونی شماره۹ روح مبارزه وامید دربشرشکست خورده و در مانده میدهد « بتهوون» است که خدای موسیقی نامیده میشود...

اما در مورد سینما کار منقد اندکی پیچیده‌است واشکال عجیبی راه‌اورااتااندازه‌ای مسدودمینماید، زیرا یك اثر سینمائی ، اثر شخص بخصوصی نیست.

بدون وجود کارگردان «فیلم» ساخته نمیشود وکارگردان برای کارخود احتیاج بدوربین، بازیگران وغیره دارد ودوربین وبازیگران وغیره نیز بدون پول تهیه کننده فراهم نمیشوند،

دراینجاو بواسطه همین فکر است که بامقایسه باسایر رشته‌های هنر ، ارزش سینما پائین میآید.

ولی هرگاه ما قدری عمیقتر دراین موردفکر نمائیم شایدعقیده‌ای خلاف این پیداکنیم آیا همین اتحاد چند هنرمند برای بوجود آوردن یك اثر عالیتر وبزرگتر را دیده وعمل پیش وپا افتاده ای محسوب مینمائید ؟ آیا درهمین ابرازضعف یك هنرمند بزرك و تقاضای کمك از دوست خود قدرتی مشاهده نمیکنید ؟

اتحاد چند نفروتشریك‌مساعی آنهابرای بوجودآوردن یك اثرممتاز هنری خود عمل هنرمندانه ومقدسی میباشد...

جوانان و عروسکها

بمجرداتمام نوشته‌های ابتدائی فیلم تماشاچی خود را ناظر یك بالت جالب میابد

گوشه ای ازیك شهر شلوغ نشان داده میشود . مردم با عجله در رفت وآمد هستند ودر این میان توقف چند عروسك جاندار در گوشه وکنار که درانتظار بدام افکندن یك شکار چرب ونرم میباشند، تضادی دراین محیط پرجنب وجوش بوجود میاورند . و اختلاف فاحش موجود بین روحیه مردم را آشکارمیکنند چندجوان مفت خور در مقابل یك مغازه صفحه فروشی پاس میدهند رقاصه‌های کاباره وکارمندان ادارات بمحل کار خودروان هستند تاکسی های مختلف بعجله ازچپ و راست میگذرند. زنی شیك پوش و در عقبش شوهر او که حامل اثاثیه میباشد ازخریدباز میگردند . در مقابل مردی سك خود را بخوردن بیراشکی مهمان میکند. یك جیب بر حرفه‌ای بآسودگی و خونسردی تمام « قمار » خوشنزه‌ای را شروع مینماید وبالاخره آنرا بیك لمبت طنازمیبازد ... اینجامحله برودوی واقع درنیویورك میباشد.

محله برودوی ومردم آن ، که تاکنون منبع الهام تهیه کنندگان مختلف و سرچشمه فیلمهای جنائی ومهیج هالیوود بوده اند در اینجا یك اثرموزیکال تفریحی را بوجود میآورند.

درصحنه‌ای ازاین فیلم هنگامیکه « مارلون براندو» و«جین سیمونز» ازهاوانا باز میگردند، صبح زود از میان خاکروبه کنار خیابان « براندو» گلی درآورده وآنرا دریك قوطی کبرو خالی قرار داده وبمعشوق خود تقدیم میکند. یك گل از میان کثافات روزفیل.

سازندگان این فیلم نیز از محیطی که عناصر سازنده آن عده‌ای قمار باز، گنگستر ، رقاصه وولگرد میباشند با انتخاب نکاتی زیبا و ظریف « جوانان وعروسکها» را بوجود آورده‌اند .

دراین فیلم هر چند رئالیسم شدیدی بچشم میخورد ، ولی در ساختن آن ازطبیعت وحقایق استفاده بعمل نیامده است. محیط ومردم آن همه وهمه مصنوعی هستند ، منتهی تقلیدی هنرمندانه از طبیعت وحقایق ازابتدا تاانتهای فیلم ازطبیعت برای « یك گراند » استفاده نشده وفقط دکورهای مجلل وباشکوه هستند که یکی از محلهای معروف نیویورك را مجسم مینمایند.

« مانکیویچ» که باعلم فنی خود «کنس پارف » قدرت خود را درنشان دادن حقایق در افسانه آشکار نمود در اینجا بار دیگر فرصت کافی برای عرضه کردن هنر ونبوغ خود یافته است.

او بوسیله سناریو وکارگردانی خودسکانسهای موزیکال را باجریان کلی درام بطرزماهرانه‌ای مربوط نموده بطوریکه تماشاچی هیچگونه تضادی را حس نمینماید.

دردکوپاژ فیلم بازجبه‌سیمائی کارد « مانکیویچ » دیده میشود در صحنه‌ایکه در یکی از کلوبهای هاوانا ، جین سیمونز بعدازنوشیدن شیره چند نارگیل مست میشودهنر «مانکیویچ» باوج خود میرسد . این صحنه از سه‌زاویه‌مختلف ولی متشابه فیلمبرداری شده وپلانهای متقاطع که این سکانس را تشکیل میدهند برشهائی از این سه زاویه میباشند.

هر یك از زوایه ها روحیه خاصی دربردارند. درپلانهائی که نیرخ « سیمونز » و تمام رخ « براندو» کادررا اشغال مینمایند «مانکیویچ» شرم وخجالت «سیمونز» وبی اعتنائی وحسادتهای «براندو» را نشان میدهد ودرپلانهای تماجرخ «سیمونز» ونیرخ « براندو» با سایه وروشنی که بر چهره سیمونز افتاده بوجودآمدن یك عشق تدریجی دراین دختر جوان و بیتجربه را تماشاچی بخوبی حس مینماید و زاویه سوم که نیرخ دو هنرپیشه رانشان میدهد تمایل آنهورا بیکدیگر آشکار میکند.

وجود نکات ظریف فراوان درسرتاسر فیلم تسلط ونکته‌سنجی « مانکیویچ» راثابت میکند

« سیمونز» دختری است که اغلب فراموش میکند یکی ازدکه های کت‌خودرابندد. در تمام‌صحنه ها این موضوع کوچك وغیرقابل توجه را «مانکیویچ» رعایت میکند. هنگامیکه براندوسیمونزازهاوانا تصمیم بمراجعت میگیرند بعد ازیك آشنه ، پلان جدید گوشه ای از خیابان رانشان میدهد که ازطرف چپ یك تاکسی وارد کادرمیگردد ولی این ماشین میآیدو میگذرد و سپس ازطرف راست یك تاکسی دیگر سرمیرسد که قهرمانان فیلم ازآن پیاده میگردند. اینها همان

بقیه درصفحه ۳۰

بررسی فیلمهای

نکات کوچکی هستند که فقط یک کارگردان مسلط و باتجربه قادر است آنها را در فیلمهایش رعایت کند در نتیجه یک محیط حقیقی بوجود آورد.

برای «کروگرافی» فیلم «جوانان وعروسکها» که درحقیقت از ابتدا تا انتها یک بالت محسوب میشود نمیتوان اهمیت فراوانی قائل شد. بدون وجود یک کروگرافر هنرمند و بزرگی نظیر «مایکل کید» شکی نیست که «مانکیویچ» قادر نمیشد این فیلم را تهیه نماید.

«کید» که ازسبک کارش علاقه او به آکروبات حس میگردد در کلیه صحنه‌ها تأثیر وجود او آشکار است و کاملا هویداست که حتی در پلانبندی وانتخاب زوایای دوربین نیز «مانکیویچ» با او مشاوره نموده است.

صحنه قماربازی در زیرزمین ازنقطه نظر کروگرافی شاهکاری محسوب میگردد. کلیه حرکات بازیگران هریک بنظوری خاص ونشان دادن یک فکر معین میباشند در اینجا بردوباخت یک یک قمار بازان دیده میشود. هریک پول خود را میبازدو کنار میرود و بالاخره برنده کل نیز بردخودرا بیازنده‌ها میبازد. دراین صحنه خود دوربین میرقصدواز کادرعریض سینماسکوپ برای زیبا کردن حرکات رقاصان آخرین حد استفاده بعمل میآید.

بازی هنرپیشگان همگی بدون استثناء عالی است ودر آن میان «جین سیمونز» را میتوان درردیف جلوتری قرار داد. موزیک متن فیلم و قطعات مختلف موزیکال موجوددر آن از آنجا که از روحیات و احساسات مردم عادی یک ملت الهام گرفته شده‌اند وهمین روحیات واحساسات را نشان میدهند میتوانند دارای ارزش هنری فراوانی باشند.

درخاتمه این بررسی باید اضافه کرد که بزرگترین افتخاراین فیلم به «ساموئل گلدوین» تهیه کننده آن متوجه میشود.

«گلدوین» باداشتن اثری نظیر «بهترین سالهای زندگی ما» و افتخارات بیشاردیگر میتواند بتهیه «جوانان وعروسکها» مباهات نماید

م - لخاص

دوست من

کرده است خوشحال پرسیدم برای چه.... جوابداد «برای چه ندارد!» بااو قرارملاقات گذاشتم ولی در میعادگاه حاضر نشدم!» با اینهمه اخلاق عجیب وخشنی که «مارلون» دارد، عده‌ای ازکارگردانان بزرگ عقیده دارند که او جوان بسیار احساساتی وزودرنجی است

(الیاکازان) میگوید «مارلون براندو» یک شاعر احساساتی وزود رنج است که لطافت برگ گل رادارد این لطافت رادر بازی عالی او بخوبی میتوان احساس کرد»

«مارلون» باوجودیکه جوان بی‌قیدی است ولی درمواقع خود کاملا جدی ومتواضع است

یکشب باصرار من یک شب نشینی که ازطرف یکی ازدوستانمان درکلوب شبانه‌ای ترتیب داده‌شده بود رفتیم. آنشب برخلاف همیشه «براندو» لباس تمیزی بتن کرده‌و سروصورت خودرا اصلاح نموده‌بود فراموش نکنید اولین باری بود که اورا باکراوات مشاهده‌میکردم! هنگامیکه «براندو» بالباس «شیک وپرزرق وبرق!» داخل محوطه نهار خوری شد، ناگهان سکوت عجیبی سرتاسر آنجارا فراگرفت وجمعیت برگشته ودرحالیکه لبخندی برلب داشتند اورا تماشا میکردندو باید اعتراف کنم که آنشب «مارلون» علاوه برلباس شیک خود؛ زیبائی مردانه‌ای نیز بهم زده‌بود اچندقیقه از ورودش نگذشته بود که اخمهایش رادرهم کشید و مجلس راترک کرد! اگر ازعشقبازی‌های او با (اودرسولا آندرسن - شارلست آستین - ریتامورو نو - باربارا راش) بگذریم، من و «مارلون» هیچوقت باهم اختلاف پیدا نمیکنیم چون هرچه او بگوید باهرچه من بگویم بارضایت کامل قبول مینمائیم! بجزدریک مورد که باهم توافق نداریم... من بحیوانات (خصوصا گربه) علاقه‌چندانی ندارم درصورتیکه «براندو» عاشق گربه است وازدرآغوش کشیدن آن لذت وافری میبرد! ضمنا اینهم پیش خودمان بماند که «براندو» یک نابغه سینمائی است و بطور قطع روزی خواهدرسید که اکثر مردم عالم اورا دوست بدارند

فیلمهائی، که هفته گذشته نمایش داده شد

سینما ایران

(جوانان وعروسکان) کمدی موزیکال محصول سینما سکوپ و رنگی ۱۹۵۶ کمپانی مترو گلدوین مایر باشتراک، مارلون براندو - جین سیمونز - فرانک سیناترا - ویوین بلین - تهیه کننده: ساموئل گلدوین.. کارگردان: جوزف ل - منکیویچ

سینما البرز

(بیوه‌طناز) عشقی وموزیکال محصول رنگی ۱۹۵۲ کمپانی مترو گلدوین مایر باشتراک لانا ترنر - فرناندو لاماس

سینما پردیس

(مزدترس) درام انتقادی محصول فرانسه باشرکت ایوموتان فولکولولی - پیترفون ایخ، کارگردان ژرژ کلوزو

سینما دنیا

(دوناتلا) کمدی اجتماعی محصول سینماسکوپ ورنگی ایتالیا باشتراک: الزامارتینلی

سینما رکس

(کلاهبردار) درام اجتماعی محصول مکزیک باشتراک: نینون سویلا کارگردان: آلبرتو گوت (دوبله شده بفارسی توسط استودیو سانترال)

سینما پلازا

(سی‌سی) محصول رنگی آلمان باشتراک رومی شنایدر

سینما رویال

۱- (حمله شجاعانه) فیلم رنگی محصول کمپانی آلاید آرتیستس باشتراک استرلینگ هیدن

۲- (مردان خشن) درام قهرمانی محصول سینما سکوپ و تمام رنگی ۱۹۵۵ کمپانی کلمبیا باشتراک: گلن فورد - باربارا استانویک - ادواردجی رابینسون کارگردان رودلف ماته

سینما ابن‌سینا

۱- داستان میامی

۲- حمله شجاعانه

سینما تاج

۱- خانم خزپوش

۲- (یگانه‌ای درترن) جنائی - باشتراک فارلی گرینجر - دوت رومن تهیه کننده و کارگردان. آلفرد هیچکاک

سینما سعدی

(آسیابان عشوه‌گر) کمدی انتقادی محصول سینما سکوپ و تمام رنگی ایتالیا باشتراک: سوفیالورن - ویتوریودوسیکا - مارچلو ماستروپانی - ایون سانسون - کارگردان: ماریو کامرینی (دوبله بفارسی توسط موسسه صدف)

سینما کریستال

(زن دلخواه او) کمدی و جنائی محصول ۱۹۵۱ کمپانی آر - کا - او رادیو باشتراک: جین راسل - رابرت میچم - وینسنت برایس - کارگردان: جان فارو

سینما مولن‌روژ

(دخترسفیر کبیر) کمدی موزیکال محصول سینماسکوپ و تمام رنگی ۱۹۵۶ کمپانی یونایتد آرتیستس باشتراک: الیویادوهاویلند - جان فورسایت تهیه کننده و کارگردان: نورمن کراسنا

سینما متروپل

(تورنا) درام خانوادگی محصول ایتالیا باشتراک: ایون سانسون آمده‌تو ناتساری کارگردان رافائلو ماتاراتسو (دوبله بفارسی)

سینما دیانا

(بلبل مزرعه) کمدی وانتقادی محصول ۱۹۵۷ استودیوی دیانا فیلم باشتراک؛ مجید محسنی - مینا شهین - سیروس کارگردان: مجید محسنی

سینما تهران

(آرزو) درام هندی با شرکت نرگس

سینما همای

(حاتم طائی) موزیکال محصول رنگی هندوستان (قسمت اول)

سینما ونوس

(اسمعیل کفاش)

تهران البرز

یک شاهکار بی سابقه از محصولات فیلم برداری
بی نظیر هندوستان

فرشته زیبا

که از لحاظ دارا بودن سوژه قوی اجتماعی تاکنون در میان فیلمهای هندی بیسابقه بوده است بدوستداران فیلمهای عالی هدیه میدهد

فرشته زیبا

مملو از رقصها و
آوازهای اصیل
وجالب هندی است

فرشته زیبا

محتوی داستانی
جالب وانتقادی و
اجتماعی است

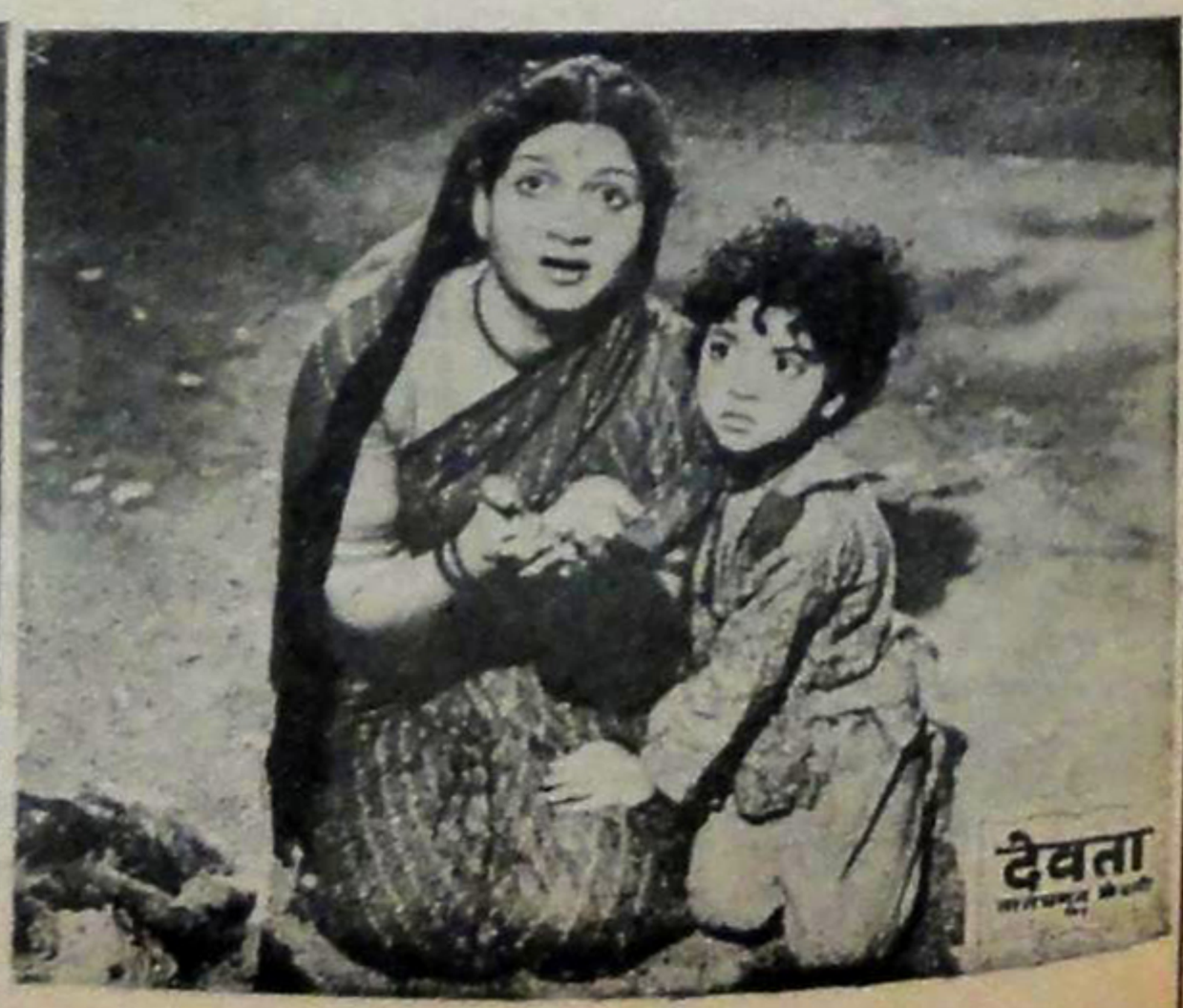

وقتی عصر آنروز بدیدارسام بیت رفتم اورا دربسترش رنجوروم‌ریض یافتم. ازدیدارم بسیارخوشحال شد وگفت غرضش آن بوده‌است که نامه‌ایرا شخصاً بدستم بسپارد. ازقرارمعلوم وقتی لباسهای آمبروز را روزعید میلاد میان مستاجرین وهمسایگان تقسیم کرده بودیم، به سام‌بلیت هم یکی ازکتهای تابستانی آمبروزرسیده بود سام‌بیت کت اهدائی رامیپوشد وآنرا معاینه میکند ودربین آستروروبه‌آن‌پاکتی میابدکه روی‌آن نشانی من نوشته بوده‌است. پاکت رااز‌وی گرفتم‌و چشم‌بخط‌آشنای آمبروزافتاد. چندلحظه بعد ازسام‌بیت خداحافظی کردم وازمنزلش بیرون‌آمدم ولی‌قبل ازخارج شدن ازاو خواستم‌که درباره پیداشدن نامه باهیچکس صحبت نکند واوهم قول داد. بجای آنکه بخانه بروم‌بسوی جنگل روان‌شدم. دردلم غوغائی برپاشده‌بود آیانامه‌رابازکنم ویاآنرا نخوانده‌پاره‌کنم وبدوربریزم. اگردرخانه‌ام بودم مسلماً نامه‌را نخوانده ازبین‌میبردم ولی‌درجنگل، یکه وتنهایاد آمبروزدرخاطرم زنده‌شده بودوسرانجام سرتخته سنگی نشستم ونامه راگشودم. تاریخ نامه آوریل سال قبل یعنی سه ماه پیش ازمرك آمبروزبود.

«پسرمحبوبم. اگردیر بدیر برایت نامه‌مینویسم‌نه بخاطر آنست که فراموشت‌کرده‌ام. یادتویك لحظه ازدلم بیرون نمیرود. فکر میکنم ممکنست نامه‌یا بدست تونرسد ویامن‌نتوانم آنچنانکه‌میخواهم منظورم رابرایت شرح دهم. مدتیست تب‌وسردرد شدیدی مراآزار میدهد. هنوزازعلت آن‌کاملا آگاه نیستم. ازموقعیکه دکتربه راشل خبرداد بچه‌اش رااز‌دست‌داده‌است‌ـ بچه‌ای‌که قراربود تاچند ماه‌دیگر بدنیابیاید‌ـ دررفتارواخلاق وی‌تغییرخاصی حاصل‌گردید وولخرجی واسراف‌وی بیشترشد. بتدریج بیشترازپیش روبه‌رینالدی میآورد و ازاوپول میگیرد وراهنمائی میخواهد. نمیدانم روابط آندوبرچه‌پایه است‌ولی چیزهائی می‌بینم‌که مرابشدت مظنون وپریشان‌خاطرمیسازد چندی پیش رینالدی بمن‌میگفت‌که بایددروصیتنامه‌ام سهمی هم برای راشل منظور دارم. منهم وصیتنامه تازه‌ای تنظیم کرده‌ام‌که هنوزامضاء نشده‌است. خواهش میکنم‌درباره این نامه باهیچکس‌صحبت نکن وهرچه زودتر بنزد من‌بیا. یك‌فکرمرا دقیقه‌ای آسوده‌نمیگذارد. آیاآندوخیال مسموم ساختن مرادارند؟ خداحافظ تو آمبروز.»

وقتی نامه‌را تمام‌کردم بسوی‌منزل روان‌شدم. سی کمپ بمن اطلاع‌دادکه یك‌تکه ازتخته‌های سقف روی کمر«دن» سك‌پیرافتاده و اورا شدت مجروح ساخته‌است. چون‌وارد اطاق شدم‌راشل رادیدم‌که مشغول معالجه‌حیوانست. راشل وقتی‌مرا دیدگفت «تاحالا کجا بودی؟ اگرمیرون‌رفته‌بودی‌چنین‌اتفاقی نمیافتاد.»

اشك‌درچشمان راشل‌جمع شده‌بود. باخاطری افسرده گفت«این سك‌بتوتعلق داشت. باهم‌بزرك شده‌بودید. من‌نمیتوانم شاهد مرك او باشم.» درکنار اوزانو بزمین‌زدم وناگهان متوجه شدم‌که نه درفکر نامه‌ای‌که درجیب داشتم‌هستم ونه‌درفکر«دن» که درحال‌جان کندن‌بود فقط‌یك موضوع میاندیشیدم. ازموقعیکه راشل‌بخانه من‌آمده‌بودبرای اولین‌بار بود که میدیدم‌غم واندوهش بخاطر آمبروزنبود وبلکه‌صرفاً بخاطر من بود.

* * *

«دن» سك قدیمی و با وفای من آنشب نزدیك ساعت ۱۲ جان داد و روز بعد راشل و من مغموم‌و افسرده‌او را در گوشه‌ای از باغ بخاك سپردیم، وقتی بداخل عمارت باز گشتیم چون راشل بیش از حد متاثر بود، دستش را دردست گرفتم وبنوازشش پرداختم و در همانحال بالحنی افسرده گفت «حیوان‌با وفا دوست‌پانزده‌سال داشت. هنوز داستان روز اولی‌که آمبروز او را در ظرف صبحانه تو روی میز قرار داد بخاطر دارم. آنروزروز جشن‌تولدهفتمین‌سالگی تو بود»

در جوابش گفتم«تاسه هفته‌دیگر من‌بیست و پنجساله خواهم شد و جشن تولدتازه‌ای بر پاخواهیم داشت. آیا اهمیت این‌موضوع رادرك‌میکنی؟» راشل گفت«در آنروز طبق‌یك افسانه‌وروایت‌قدیمی‌هر آرزوئی‌داشته باشی برآورده‌خواهدشد. حالا بگوببینم چه‌آرزوئی داری؟»

«هنوزخودم نمیدانم چه‌آرزوئی‌دارم. ولی در آنروزدوران سر پرستی پدر تعمیدیم بسر خواهد رسید و من مالك قانونی کلیه املاك و اموال خواهم بود و آنگاه خواهم توانست‌نه تنها گردن بند مروارید بلکه کلیه جواهرات امانتی‌در بانك را بتوبدهم»

«نه آن جواهرات را از تو قبول نخواهم کرد. آنها باید در همان بانك باشند تا روزیکه ازدواج کنی وهمسرت‌آنها را از تو بپذیرد. تو اکنون تصمیم بازدواج نداری ولی معلوم نیست تا چندی دیگر هم بر سر همین تصمیم باقی‌بمانی»

در آن دقیقه دلم میخواست آنچه را که مدتها دردل داشتم باو اعتراف کنم ولی‌باز جرات نکردم دستش را بوسیدم واز جای برخاسته گفتم« فقط یك اشتباه موجب‌شد که جواهرات مربوط با کلیه این‌اموال و املاك بتو نرسد. تو خودت بخوبی به این‌نکته واقف‌هستی» راشل گفت«هرچه بوده گذشته‌است وبهتراست‌دیگردرباره این موضوع‌صحبت نکنیم»

در پاسخش گفتم «ولی‌من نمیتوانم این موضوع را نادیده بگیرم تا سه هفته دیگر تو خواهی دانست من چه نقشه‌ای‌دارم.»

«تا سه هفته دیگر؟تاآنموقع من از اینجا خواهم رفت»

بالاخره آنچه را انتظار داشتم و از آن میترسیدم اززبان راشل شنیدم ولی چون نقشه‌ای داشتم دیگر ناراحت نشدم. آنگاه باو گفتم «فرض‌کن آمبروزوصیت کرده بود تمام املاك واموالش تا موقعیکه تو زنده‌باشی متعلق بتو باشد بااین شرط که اداره‌آنها بعهده من باشد درآنصورت توچه میکردی؟ آیا همین جامیماندی و یا مرا از اینجا بیرون میکردی؟»

چشمان راشل برقی‌زد و با لحنی حیرت آلود گفت«ترا از اینجا بیرون کنم؟ از خانه و زندگی خودت؟ این چه حرفیست میزنی؟»

«پس در آنصورت همین جامیماندی‌و بمن‌هم اجازه میدادی بکارهای املاك رسیدگی کنم و در نتیجه هر دو بهمین وضعی‌که اکنون هستیم باهم زندگی میکردیم؛ اینطور نیست؟»

باشتراك : جوزف كاتن - روندا فلمينك - وندل كاري

برنامه افتتاحیه

تابستانی کریستال

برنامه آینده

سینما کریستال

یك شاهکار بزرك تاریخی وقهرمانی

شمشیر و گل سرخ

A desperate soldier of fortune strikes back against conspiring kings who are determined to have his head...because a princess has his heart!

A new kind of Disney entertainment! An all-live-action adventure-romance... the most exciting love story ever told!

Walt Disney's

The SWORD and the ROSE

From the famed adventure novel
WHEN KNIGHTHOOD WAS IN FLOWER

starring a new romantic team

RICHARD TODD and GLYNIS JOHNS

color by **TECHNICOLOR**

فیلم رنگی باشتراك: ریچارد تاد ـ گلینز جانر

یک فصل نوین دیگر در تاریخ سینمائی ایران

ورودی در

سالن مجلل سینما رویال - فضای باشکوه سینماری

اثر عالی و شگفت انگیز سینمای فرانسه

DU
RIFIFI
GHEZ LES
HOMMES

ریفی فی
مبارزه
جوانمردانه

شاهکار کارگردان مشهور آمریکائی «جول داسن»

باشتراک ژان سروه - کارل مونر - روبرت حسین

ژانین دارسی - ماگالی نوئل

این فیلم یکی از بهترین و سودمندترین آثار پلیسی جهان شناخته شده است

بعد از موفقیت بدون سابقه و بی نظیر دو فیلم معروف «این دخترک آتشپاره» و «آسیابان عشوه گر» اینک

پر ارزشترین شاهکار سینمائی که با همکاری دو کشور هنرمند مکزیک و اسپانیا تهیه شده است

MARIA FELIX
JORGE MISTRAL
(Vedette de "Droit de Naître")